

چهره‌ها

Chehreh Nama

تابستان 3756 زرتشتی 1397 خورشیدی

نشریه مرکز زرتشتیان کالیفرنیا
سال سی و ششم شماره 186

لبه دوزی
ریجیتال در فرانسه



Design by: Kevin Yektahi

سخن گروه مدیران

هموندان و خوانندگان گرامی

عشق یعنی خدمت بی منتی
عشق یعنی طاعت بی جنتی
گروه مدیران دوره بیستم بر خود واجب می داند که از تمامی عزیزانی که داوطلبانه و عاشقانه با صرف وقت و با دهش های مالی و فکری خود به مرکز زرتشتیان کالیفرنیا یاری رسانده سپاسگزاری و قدردانی نماید.
هر کجا عشق آید و ساکن شود
هر چه ناممکن بود ممکن شود
یاری و همازوری شما همکیشان زرتشتی که چون دری گرانها پشتوانه مرکز خودتان بودید همواره باعث دل گرمی خدمتگزاران شما در گروه مدیران بوده، که توانستیم پروژه های زیادی را در مرکز به پایان برسانیم.
گروه مدیران امیدوار است این دهش ها و همیاری های داوطلبانه بیشتر از گذشته ادامه یابد تا بتوانیم با یاری یکدیگر دست در دست هم با همفکری و هم اندیشی سربلند و سرافراز پروژه های نیمه تمام را به پایان رسانیده و مرکزی شایسته و سزاوار جامعه خوشنام و نیکوکار زرتشتی داشته باشیم و بیشتر از همیشه به وجود این چنین مرکزی افتخار کنیم.

ایدون باد

گروه مدیران دوره بیستم

اینک بادست های برافراشته، ای مزدا (دانش و آگاهی بیکران)،
تو را ستایش کرده و آرمان دارم با کارهای راست و نیک خود که از وهومن (منش نیک) سرچشمه می گیرد.
روان هستی را خشنود سازم.
هات ۲۸ بند ۱

درود می فرستیم و می ستاییم،
همه زنان و مردانی که از میان مردمان،
به شناخت اهورامزدا، (دانایی و آگاهی)
درانجام کارنیک و پیوستن به اشا،
بهترین باشد.
هات ۲۷ بند ۱۵

بر گیری از نوشته های چهره نما با چاپ نام نویسنده و نشانی تارنما آزاد می باشد.
چهره نما در گزینش و ویرایش نوشته های رسیده آزاد است و نوشتارهای رسیده باز گردانده نمی شود.
دیدگاه های بازتاب شده در نوشته ها همیشه گویای دیدگاه های انجمن دبیران چهره نما نمی باشد.
چهره نمای مرکز زرتشتیان کالیفرنیا، نشریه ایست دینی، اجتماعی، تاریخی، ادبی و فرهنگی که به هیچ دسته و گروه سیاسی بستگی ندارد.

Trust of Morvarid Guiv
c/o Mina Soroosh
PO Box 49404 Los Angeles, CA 90049

زیر نگر گروه دبیران

گرافیک، رایانه و صفحه آرا: کوبین یکتاهی

تایپ: شبنم پاک سرشت

اینترنت: رامین شهریاری

حکایت است کودکی در پای درختی گریه می کرد و دائم دوستش را که بالای درخت گردو بود و از گردوها می خورد، نشان می داد. رهگذری کودک را در آغوش گرفت و به بالای درخت هدایت کرد و گفت: تو هم برو و بخور. اما کودک فریاد برآورد، من را بالا نبر، من گردو نمی خواهم، او را پایین بیاور!!

این حکایت خیلی آشنا است وقتی با دقت به جامعه و افراد اطراف خود بنگریم موردهای مشابه زیادی را می توانیم ببینیم و تجربه کنیم.

عده ای از روان کاوان معتقدند حسادت یکی از شایع ترین هیجانات انسانی است که آشکارا به پیوند میان افراد مربوط می شود و همچنین نتیجه حسادت این است که فرد احساس آشفته گی، ضعف، ناتوانی، آسیب پذیری و ترس شدید می کند.

افراد حسود نه تنها دلشان می خواهد آنچه را که دیگری دارد، داشته باشند بلکه خواسته اصلیشان این است که طرف مقابل، آن چه را که داشته را از دست بدهد و اگر طرف مقابل زمین بخورد، آن ها شادمان می شوند، به طور کلی، حسادت، رفتار و عملی غیرارادی است که فرد در برابر عدم موفقیتش در رقابت، از خود بروز می دهد.

این احساس منفی در درجه اول خود شخص را از بین می برد و همزمان می تواند با ایجاد آثار روانی بر رفتار و ذهن افراد جامعه، سبب ساز رقابت های نا عادلانه و گسترش بدگویی و تخریب یکدیگر در جامعه شود.

یادمان باشد ما تنها می توانیم خود را با خودمان نسبت به سال گذشته و امروز مقایسه کنیم. به جای حسادت، غبطه را جایگزین کنید.

غبطه، (ریشک بردن بر سعادتی و نیکی کسی بدون بدخواهی نسبت به آن شخص) روحیه ای است که در پی آن فرد می خواهد نعمت و کمالی را به دست آورد که دیگری آن را دارد، بدون آنکه آرزوی نابودی آن را برای دیگران داشته باشد.

و از همه مهمتر این است که با همazonری و هم اندیشی با دیگران طعم پیشرفت را بچشیم و آن را گسترش دهیم و به جای رقابت های تخریبی به رقابت های سازنده که بتواند راه گشای پیشرفت خود و جامعه خودمان باشد روی آوریم.

سبز و مانا باشید
جمشید جمشیدی

بستد دل و دین از من	از من دل و دین بستد
کافر نکند چندین	چندین نکند کافر
دو رخ چو قمر دارد	دارد چو قمر دو رخ
عنبر ز قمر رسته	رسته ز قمر عنبر
چشمش ببرد دل ها	دل ها ببرد چشمش
باور نکند خلق آن	خلق آن نکند باور
حیران شده و عاجز	عاجز شده و حیران
بنگر ز رخس چون بت	چون بت ز رخس بنگر
دلبر صنمی شیرین	شیرین صنمی دلبر
آذر به دلم بر زد	بر زد به دلم آذر
عاشق شده ام بر وی	بر وی شده ام عاشق
یکسر دل من او برد	برد او دل من یکسر
نالم ز رخس دایم	دایم ز رخس نالم
داور ندهد دادم	دادم ندهد داور
مسته صنما چندین	چندین صنما مسته
می خور به طرب با من	با من به طرب می خور
منت به سرم بر نه	بر نه به سرم منت
ساغر به کفم بر نه	بر نه به کفم ساغر
رفته به سفر یارم	یارم به سفر رفته
ایدر چه کنم تنها ؟	تنها چه کنم ایدر؟

منسروب
به نظامی





زندگی و ازلی یافتم، زمانی که دانستم برای اندیشه و گفتار و کردار نیک، پاداش مقرر فرمودی و در پرتو خرد تو، بدی از برای بدان و نیکی از برای نیکان خواهد بود تا پایان آفرینش.»

اشوزرتشت خدای خود را اهورامزدا به معنی «دانای کل هستی بخش» می نامد. بر پایه باور اشوزرتشت خدای یکتا با تکیه بر مزدایی و دانایی خود جهان هستی را آفرید و شاید این یکی از زیباترین تعبیری است که در فرهنگ مختلف از خدای یکتا آمده است.

حکیم توس نیز سالیان بعد شاهنامه خود را با این بیت زیبا آغاز می کند. «بنام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد» که در قالب فارسی دری همین مفهوم را بیان کرده که خداوند جان به معنی هستی بخش، همان اهورا و خدای خرد همان مزدا یا دانای کل می باشد.

باور به پیامبری اشوزرتشت

چنانچه در بند ۹ از هات ۴۶ اشوزرتشت به عنوان «نخستین آموزگاری که به ما آموخت، تنها تو را ای پروردگار شایسته ترین ذات مورد ستایش بشناسیم» نام برده شده است یا در بند ۱۱ از هات ۴۴ اشوزرتشت می فرماید «پروردگارا می دانم که تو مرا برای این کار بزرگ (راهنمایی مردم) به عنوان نخستین آموزگار برگزیده ای» و در تایید این گفتار در بند سوم از هات ۲۸ آمده است «اکنون سروده هایی می سرایم که کسی پیش از این نسروده است».

اشوزرتشت در هات ۲۸ بند ۵ می فرماید

«ای اشا کی به زیارت تو نایل خواهم شد؟ ای وهومن آیا با دانش الهی و خرد واقعی ترا خواهم شناخت؟»

و در ادامه می فرماید «آیا با فرمانبرداری از ندای وجدان و فرمان اهورایی به سوی هستی بخش دانا و توانا راه خواهم یافت؟» واژه سروش از ریشه ی سرو (SRU) به معنی گوش دادن و شنیدن، گوش به فرمان اهورایی دادن و پیروی از ندای وجدان.

– باور به سپنتامینو و انگره مینو و اختیار انسان در گزینش بین این دو دانایی، گزینش و مفهوم نیکی و بدی، بیانگر دادگری اهورامزدا می باشند. بند سوم از هات ۳۰ گاتها، یکی از زیباترین و پر رمز و رازترین بند های این سروده اهورایی و اندیشه برانگیز اشوزرتشت پیامبر است. «آن دو گوهر که در آغاز همزاد (و در جهان) رویا پدیدار شدند، در اندیشه و گفتار و کردار، آن دو نیکی است و بدی و از این دو، دانا راستی را بر می گزیند نه نادان».

برپایه باور اشوزرتشت نیکی و بدی دو خوی هستند که با آفرینش زندگی در وجود انسانها شکل گرفته است، اگر چه انسانها با تکیه بر اراده خود آزادند تا از بین این دو نیکی های و بدیها را یکی برگزینند اما برپایه هنجار هستی در نهایت نیکی ها به خود انسان و اگر بدی هم در زندگی انجام دهد به خود او باز می گردد که این هنجار هستی را اشوزرتشت در گاتها «اشا» نامیده است.

باور به امشاسپندان یا هفت پایه عرفان زرتشتی

اشوزرتشت در یسنای ۴۷ بند ۱ می فرماید «کسی که در پرتو مینوی مقدس (سپنته مینو) و بهترین اندیشه (وهومنه)

اشوزرتشت به یاری وهومن (اندیشه پاک) به ذات یکتای اهورامزدا دست یافت و اینگونه بود که اورمزد پاک در پاسخ به درخواست روان آفرینش اورا به پیامبری برگزید.

«یگانه کسی که به آموزشهای الهی گوش فراداد و من او را خوب می شناسم همان اشوزرتشت اسپنتمان است. تنها اوست که خواستار آموزش آیین راستی و سروده های ستایش مزداست، بنابراین به او شیوایی بیان خواهیم بخشید» (هات ۲۹ بند ۸)

اشوزرتشت خود را نخستین آموزگار بشری خواند (هات ۴۶ بند ۹) و با تکیه بر اندیشه والای خود سرودهایی برای جهانیان به ارمغان آورد که پیش از این کسی نسروده بود. (هات ۲۸ بند ۳) و اهورامزدا نیز به او نیروی مینوی و توانایی بخشید تا آغازگر راهی باشد که آن را راه و آیین اشویی نامید.

این آغازگر زندگی پربار و سرشار از مبارزه پیامبر با سلاح نیکیها بر علیه دروغ و دورغکاران بود. حتی زمانی که پیامبر از فشار دروغکاران به ستوه آمده و به درگاه اهورامزدا پناه می برد. (هات ۴۶ بند ۱) یک قدم از آرمان خویش عقب نمی نشیند «ای مزدا کسیکه با تمام نیرو و وجودش بر علیه هواخواهان دروغ پیکار کند او جهان آفرینش را به راه خرد و دانش حقیقی رهبری خواهدکرد» (هات ۴۶ بند ۴).

باور به اهورامزدا، خدای یکتا و بیهمتا

در یسنا هات ۴۳ بند ۵ از اشتودگات گاتها می خوانیم:

«ای اهورامزدا، آنگاه تو را پاک و مقدس شناختم که تو را سرآغاز

گفتار و کردارش نیک و با راستی و درستی (اشه) هماهنگ باشد، مزدا اهورا با توانایی (خشثره) و مهر خویش (سپنته آرمئتی) به او رسایی (هئوروات) و جاودانی (امرتات) خواهد بخشید.»

همانطور که می دانیم در فرهنگ ایرانی عدد هفت مقدس است، هفتن یشت، هفت سین، هفت کشور و ... که شاید این مقدس بودن ریشه در هفت امشاسپندان در فرهنگ زرتشتی داشته باشد. «امشه سپنته» شکل اوستایی امشاسپندان است و از دو جزء بوجود آمده است. (أ) حرف نفی (مشه) از ریشه مر به چم (معنی) مرگ، پس امشه به چم بی مرگ و جاودان و (سپنته) به چم پاک و مقدس و بی آلایش، و مفهوم آن "بی مرگ مقدس" است که در جهان هستی هر یک نگهبان پدیده ای مادی هستند.

اما در باور اشوزرتشت این هفت امشاسپند از یکسو هفت فروزه اهورامزدا هستند که در جهان جلوه پیدا کرده اند از سوی دیگر هفت پله عرفان زرتشتی می باشند که انسان با دستیابی به آنها به بالاترین جایگاه خواهد رسید. در فروردین یشت نیز ویژگی مهم این هفت فروزه را همزوری دانسته



و در ادامه نیز آورده که انسانها هم تنها با هم‌آزوری می‌توانند به جایگاه امشاسپندان دست یابند. «که هر هفت یکسان اندیشند، هر هفت یکسان عمل کنند، که در اندیشه یکسان، در گفتار یکسان، در کردار یکسانند و همه را یک پدر و سرور است، اوست اهورامزدا». فروردین یشت بند ۸۲

باور به فلسفه دگرخواهی و دستگیری از نیازمندان

«مزدا اهورایی که فرمانروای مطلق است چنین مقرر فرموده: خوشبختی از آن کسی است که دیگران را خوشبخت سازد. پروردگارا برای استوار ماندن به آیین راستی از تو نیروی تن و روان را خواستارم. ای آرمئیتی، ای مظهر ایمان و محبت، آن پرتو ایزدی که پاداش زندگانی سراسر نیک منشی است بمن ارزانی دار.» یکی از زیباترین و گویاترین بندهای گاهان، بند ۱ از هات ۴۳ می‌باشد. بخش دوم از پنج بخش گاهان با واژه اشتود آغاز می‌گردد که از «آرزو شده و مطلوب» گرفته شده و همان خوشبختی است؛ آن چیزی که همگان به دنبال آن هستند. بارها شنیده‌ایم که «آنچه بر خود

نمی‌پسندی بر دیگران نیز می‌پسند»، اما اشوزرتشت فراتر از این سفارش می‌کند، نه تنها زیان و آسیب به دیگران نرسان بلکه برای خوشبختی آنها نیز سعی و کوشش کن.

«مزدا اهورا که فرمانروای مطلق است مقرر فرموده: خوشبختی برای اوست (که) از سوی او خوشبختی به دیگران رسد...». در ادامه بند آمده است: «... پروردگارا برای استوار ماندن به آیین راستی از تو نیروی تن و روان را خواستارم...». «ای آرمئیتی، ای مظهر ایمان و محبت، آن پرتو ایزدی که پاداش زندگانی سراسر نیک‌منشی است به من ارزانی دار.»

باور به برابری تمام انسانها

برابری انسانها از هر قوم و نژاد و مهمتر از آن برابری زن و مرد در باور اشوزرتشت، زیربنای شکل‌گیری فرهنگ بارزش ایرانی شده است. تمدن و فرهنگی که کمتر از هر تمدن دیگری حقوق انسانها نادیده گرفته می‌شد و برده داری در آن رایج نبوده است.

برابری زن و مرد هم از ویژگیهای آموزه های اشوزرتشت بوده تا جایی که ایشان در هات ۵۳ از دختر خود پورچیستا نام می‌برد که به معنی دارنده دانش دینی است. بنا بر نوشته های تاریخی نیز از روزگاران کهن هیربدستانهایی که ویژه پرورش موبدان بوده هم دختران و هم پسران با هم شرکت می‌کردند. به عبارت دیگر در هیچ بندی از گاتها مطلبی وجود ندارد که کوچکترین تفاوتی بین زنان و مردان بگذارد و اشوزرتشت همواره پیامش را خطاب به زنان و مردان سروده است.

«ای مردم این حقیقت را به گوش هوش بشنوید و با اندیشه ای روشن و ژرف بینی آنها را بررسی کنید. هر مرد و زن راه نیک و بد را خود برگزینید، پیش از فرارسیدن روز واپسین همه به پا خیزید و در گسترش آیین راستی بکوشید.» هات ۳۰ بند ۲

باور به فرسکرد یا تازه گردانیدن جهان

نوگرایی و نواندیشی از در گاهان به عنوان یک ویژگی و آرمان زندگی بسیار ارج نهاده شده است. اشوزرتشت خود نیز پیامبری خود را با تکیه بر آزاداندیشی و نواندیشی آغاز کرد و مهمترین آموزه ای نیز که برای پیروان خود گذاشت همین نواندیشی و تلاش برای نو کردن جهان هستی است.

«خواستاریم از کسانی شویم که زندگی را تازه کنند. ای خداوند جان و خرد و ای هستی بخش بزرگ، بشود که در پرتو اشا از یاری تو برخوردار گردیم؛ تا زمانی که ما دستخوش بدگمانی و دودلی هستیم، اندیشه و قلب ما یکپارچه به تو توجه پیدا کند.» اهنود گات، هات ۳۰، بند ۹

باور به جاودانگی روان و جهان مینو

«همهی جویندگان، رستگاری را از او خواهند، چه آنان که زنده‌اند، چه آنان که در گذشته بوده‌اند و چه آنان که در آینده پا به گسترهی هستی خواهند گذاشت. روان شخص پارسا و درستکار کامروا گشته و از بخشش جاودانی بهره‌مند خواهد شد، ولی هواخواه دروغ و تبهکار از درد

و عذابی که همیشه تجدید می‌گردد، رنج خواهد برد. این قانون را هستی بخش بزرگ دانا از توانایی خویش آفریده است.» هات ۴۵ بند ۷

اشوزرتشت برای نخستین بار از دو جهان گیتی و مینو نام برد که جهان گیتی که در گاتها «استوتسچا» نامیده می‌شود جهان گیتی یا جهان مادی است ولی اشوزرتشت در کنار جهان گیتی از جهانی مینوی نام برد که آن را در گاهان «مننگهسچا» معرفی کرده به معنی جهان اندیشه یا جهان مینو. اگر چه جهان مینو، جهانی جاودانی است اما جهان گیتی و جهان مینو در فرهنگ زرتشتی هر دو به یک اندازه بارز هستند و جهان گیتی پلکان ماست برای دستیابی به جهان مینو.

«همه خواسته های اشوزرتشت اسپنتمان به بهترین وجهی برآورده شده و اهورامزدا او را از بهترین بخشایش برخوردار ساخته است بدینمعنی که یک زندگانی خرم و نیک و سراپا پارسایی برای همیشه باو عنایت فرموده و حتی کسانی که با او دشمنی می‌ورزیدند آموخته اند که به او احترام گذارند و در گفتار و کردار از آیین بهی پیروی کنند.» (هات ۵۳ بند ۱)

شاید این آخرین آموزه اشوزرتشت یعنی امید و سرانجام نیک به ما زرتشتیان این توانایی را داد تا با تکیه بر غیرت و پایداری، این پیام اهورایی را در سختترین شرایط پاسداری کرده و امروزه شاهد آن هستیم حتی کسانی که با زرتشت دشمنی می‌ورزیدند از او به نیکی یاد کرده و مهمتر از همه آموزشهای پیامبر را از زبان دیگران بشنویم این یعنی همراه شدن نیکان جهان به اندیشه و گفتار و کردار با حکمت نخستین گاهانی.

نام سرزمین ایران و فرهنگ و تمدن ایران در جهان نامی دیر آشنا و شناخته شده می باشد. ادب و فرهنگ و تاریخ سرزمین ایران نه اکنون بلکه در تمام دوران تاریخ بر تارک تاریخ جهان درخشان می باشد. چه آزمانی که ایرانیان بر اوج قله قدرت و بزرگی بر جا بوده اند و چه هنگامی که برخاک تباهی و بندگی کشیده شده اند همواره نام نیک و بزرگی از خود بر جای گذاشته اند. ایران نامی نیست که در همین چند ساله اخیر شکل گرفته و شناخته شده باشد. فرهنگ ایرانی فرهنگ نوپا و جوانی نیست که تازه پا به عرصه وجود گذاشته باشد و یا جان مایه خود را از دیگر فرهنگها و ملل وام گرفته باشد.

چه در دوران باستان و چه در این زمان همواره در نوشته های ادبی، علمی و تاریخی کشورها و ملل جهان از ایران و فرهنگ آن نام برده شده است. از متون کهن یونانی و بابلی گرفته تا اسناد مصری- رومی- هندی و غیره تا نوشته های امروز کشورهایی چون فرانسه- روسیه- ژاپن- چین و از ادب و فرهنگ و آیین این سرزمین و اخلاق و منش مردمان آن سخن به میان آمده است. در بسیاری از متون کهن و آثار بجای مانده از دانشمندان و بزرگان ادب و دانش جهان باستان چون سقراط و بقراط - گزنفون- استرابون- هرودوت و فیثاغورس گرفته تا متون دینی چون تورات نام بزرگان و سرزمین ایران بطور مکرر آورده شده است. از نوشت هها و متون و گزارش های گذشته و حال که بگذریم در دانش باستان شناسی و شرق شناسی (ایران شناسی) چه در ایران و چه در کشورهای دیگر به این گوشه از سیاره زمین که ایران نام گرفته توجه ویژه ای شده است. تقریباً پس از آغاز رنسانس در اروپا (قرن پانزدهم میلادی) و شکل گیری دانش تاریخ و باستان شناسی بطور علمی و آکادمی منطقه شرق بویژه ایران بسیار مورد پژوهش و جستجو و کاوش قرار گرفته و تقریباً از

قرن هجدهم تا کنون که حدود ۳ سده را در بر میگیرد پژوهش های دامنه داری در پهنه خاک ایران انجام گرفته که آثار بسیاری از این کاوش ها بدست آمده است. بی گمان با توجه به آثار یافت شده و پژوهش ها و کاوش های انجام گرفته امروز دیگر برای جهانیان و ایرانیان بخوبی آشکار گشته که تاریخ و تمدن ایران دارای چه دیرینگی و ارزشی می باشد. بر کسی پوشیده نیست که یکی از والاترین و پرافتخارترین تمدن های جهانی که بدست بشر شکل گرفته تمدن و فرهنگ ایرانی است. اما با توجه به موارد مستند یافت شده و آثار بر جای مانده متأسفانه همچنان در بسیاری از کتاب ها- نوشته ها و گزارشات تحقیقی - متون دانشگاهی و دبیرستانی - روزنامه ها - اخبار- سایت های اینترنتی و بسیاری دیگر از این دست رسانه ها ما درباره تاریخ و تمدن ایران گزارشات درست و بجا روبرو نمیشویم! و اگر هم دانشمندان و پژوهشگرانی جسته و گریخته با گزارش های بجا و مستند و علمی توانسته اند به درستی و واقعی به فرهنگ و تاریخ تمدن ایران اشاره نمایند یا از درون ایران و یا از بیرون مرزهای این سرزمین مورد بیلطفی و بی مهری و بی توجهی و تحت الشعاع آرای دیگران قرار گرفته و نتوانسته اند آنگونه که باید و شاید در تغییر دادن آمارهای اشتباه و مغرضانه دیگران تاثیر بسزایی بگذارند!

اکنون اندیشه و بینش از این نوشته ها و سخنان چیست؟ نگارنده این جستار می خواهد از دیدگاهی دیگر به ایران‌شناسی بپردازد! در این گزارش بطور مفصل یا حرفه ای و یا به گفتار و سخن ویژه ای پیرامون یک اثر باستانی یا یک دوره تاریخی نمی پردازیم. حتی این گزارش بر آن نیست تا بخواهد از آغاز به تاریخ و فرهنگ ایران بپردازد. بیشتر آورده شد که ایران و فرهنگ درخشان آن از چه دورانه و تا چه حدود و در نزد بیگانه و دوست شناخته شده میباشد، اما با توجه به شناخت و بدست آمدن اسناد و مدارک از این سرزمین پهناور اهورایی که اکنون یک سوم آن بنام ایران خوانده میشود؟! و مابقی تکه تکه به نام های دیگر تغییر هویت و شخصیت یافته همچنان گزارش های مستند نادرست در بسیاری از نوشته و پژوهش ها بچشم می خورد و دردا که در خود ایران بیشتر از جاهای دیگر به این مهم نادرست و نابجا پافشاری میگردد، و چه بسا که دانشگاه ها و اساتید ارجمند و میراث فرهنگی بیشتر به آن دامن میزنند و بر آن پافشاری مینمایند! این گزارش تنها با مطرح کردن چندین پرسش میخواید ضمیر ناخودآگاه و یا گاهی ضمیر آگاه ایرانیان را بیدار نموده و بر آن است که اندکی بیاندیشند که در جهان کنونی دارای چه وضعیت و در کجای تمدن جهانی جای دارند؟ مگر با این نگاه بتوانیم تکلیف خودمان را با کشور و فرهنگمان بدانیم. در واقع پرسش ها جهت به چالش کشیدن اندیشه فراماسونری و استثمار جهانی می باشد که سده هاست با مردم فریبی و آگاهی رسانی نابجا و غرض آلود بر روی این مرز و بوم سایه سیاه افکنده است.

۱ تاریخ و تمدن ایران به یکباره از ۵۵۹ پیش از میلاد هنگام آغاز شاهنشاهی کوروش بزرگ هخامنشی آغاز میگردد و به همگان شناسانده میگردد و چه در داخل و چه در خارج در بیشتر متون و کتابها کوشش بر آن است که همین تاریخ به خورد ایران داده شود؟!!

۲ نام مکانهایی چون دریای کاسپین (هیرکانه) و به خزر و گاهی با اصرار خلیج پارس به خلیج عرب و یا دریای اوتره به عمان شناخته و شناسانده میشود؟!!

۳ کوشش و تلاشهای بسیاری انجام گرفته که ایرانیان را به سرزمین خودشان مهاجر و کوچنده بشناسانند و جایگاه ایرانیان و آریاها را در نقطه ای دور و مبهم به مردم ایران بشناسانند؟!!

۴ هنگامی که از ایران می خواهند نام ببرند به اقوام هندو اروپایی اشاره مینمایند(نام

من درآوردی) و به ناگاه منطقه ای بسیار گسترده و مهمی از لحاظ تاریخی و فرهنگی و استراتژیکی بنام ایران که یکسر آن در مرزهای هند و چین و مرز دیگر در آن سوی میان رودان (بین النهرین) میباشد از روی نقشه محو میگردد؟!!

۵ همواره کوشش بر آن است تا ادبیات شفاهی و بومی و ادبیات کتبی ایرانیان از ۳ هزار سال بیشتر نشود؟!!

۶ تاریخ ظهور پیامبر ایرانیان اشوزرتشت به یکباره به دوره هخامنشی می انجامد و هزاره ها از تاریخ آن کوتاه میگردد؟!!

۷ آیین مهر ایرانیان بیآغاز است و گاهی تخیلی؟!!

۸ تاریخ شعر و سرود و ترانه در ایران پس از یورش اعراب به ایران آغاز میگردد؟!!

۹ آثار کهن و باستانی و شهرنشینی بیشتر در غرب و مربوط به غیر ایرانیان شناخته میشود؟!!

۱۰ آغاز شکل گیری دبیره نویسی (الفبا و خط) و دانش ستاره شناسی و ریاضی را ایرانیان از دیگران آموخته اند؟!!

۱۱ فلسفه و منطق و عرفان در ایران باستان ناشناخته بیان میگردد و شکوفایی آن پس از ورود اعراب میباشد؟!!

۱۲ منطقه آتروپاتن (آذربایجان) سرزمینی اصیل ترک نشین و زبان آذری همان زبان ترکی شناخته میشود؟!!

و صدها پرسش تامل برانگیز دیگر مانند اینها که همواره تلاش بر کوچک نمودن و بی اهمیت و ارزش جلوه دادن تاریخ و فرهنگ ایران می باشد. به یکباره تاریخ تمدن بیش از ده هزار سال ایرانیان به ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال نهایتاً پایان میابد! هدف از این گزارش ها و نگارش های نابجا در طول تاریخ به دست دشمنان ایرانیان بخوبی آشکار و روشن میباشد، اما چرا ایرانیان خود نیز بدان می پردازند؟!!

چرا با توجه به اینکه هزاران و میلیون ها آثار معماری، هنری، تاریخی، نوشتاری

بازیچه دست خود قرار داده است؟ چرا بایستی آثار سرزمین ما به چپاول برود و در کشورهای دیگر به حراج گذاشته شود؟ چرا آثاری که هر کدام از آنها موجب دگرگونی تاریخ جهان را بوجود می آورند بایستی اکنون در تاریکخانه ها و سرداب های موزه های دیگر کشورها بایگانی گردد و دانش و تاریخ آن آشکار نگردد؟! از این چرا و چراها دیگر بسیار است که هر ایرانی خردمندی را به اندیشه وا می دارد و بر آن می دارد تا در پس تاریخ گذشته و حال چشمانش را به واقعیات و درستی ها باز نماید. نه به آن اندیشه ها و رای پوچ و بی اساسی که تاکنون به نام ها و عناوین فریبنده به خوردمان داده اند!



و شهرنشینی در این سرزمین وجود دارد همچنان ایرانیان به مشتی نوشته ها و چرندیات خنده آور بیگانگان سودجو می پردازند و به آنها استناد می جویند؟ چرا هنوز اساتید و به اصطلاح دانشمندان تاریخ و باستان شناسی و ادبیات و هنر و یا فلان نگارنده کتاب و مقاله نگاره فروهر را اهورامزدا، آغاز تمدن ایرانیان را ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، دریای کاسپین را خزر، تاریخ و گزارش ها دوران پیش از ماد و هخامنشی را اساطیری و داستانی و یا تخیلی، سرزمین اصلی ایران را جایگاه واهی و مبهم، کوچ ایرانیان را به سرزمین ایران ووووو مینگارند؟ و از همه مهمتر اینکه اجازه چاپ و نشر آن هم فراهم میگردد و از همه بدتر اینکه در دانشگاه ها بطور تخصصی و در مدارس بطور عمومی خوراک دانش و ادب فرزندان این سرزمین میگردد؟!!

آیا براستی هنوز ما ایرانیان متوجه نشده ایم که تاکنون از سوی دشمن و بیگانه چه بلایی بر سرمان آمده و در آینده چه بلای قرار است بر سرمان بیاورند که اینگونه ما را مدهوش و حیران خود نموده اند؟ آیا در پس پرده این گفتارها و گزارش های به اصطلاح ایران دوستان دشمن شاد چهره سیاه و زشت استثمار و دست تجاوز و چپاول بیگانگان سودجو برای ما نمایان نگشته که این چنین به پیروی از گفتار آنان استناد می جویم و همانی را بگویم که آنان میخواهند؟! آیا نمی خواهند از ایران سرزمینی دیگر با نام و نشانی دیگر بسازند؟ آیا اکنون دو سوم خاک ایران با همین ترفندها و ریاکاری ها در طی دو سده اخیر از سرزمینمان جدا نکرده اند و به آن هویتی پوشالی نبخشیده اند؟! آیا مابقی این تمدن و سرزمین هم در ادامه نقشه های پشین نمیخواهند دستخوش نادانی و نا اهلی خود ایرانیان به نفع بیگانگان گردد؟!!

براستی تاکنون اندیشیده ایم که چرا سخن و پیام و دانش و باور و بینش بیگانه بر این سرزمین چیره گشته و ما را

های متنوع تری دیده میشوند، حرف ها و موضوع سخنان نیز تازه تر به نظر میرسد. کنگره جهانی زرتشتیان تنوع چهره ها و حرف ها را از دست داده است.

فناوری را جدی تر بگیریم

حضور ایرانی ها در همایش های جهانی همیشه یک چالش مهم بوده است. حتی اگر دریافت ویزا را ساده تر بگیریم و پرداخت هزینه برای ساکنان ایران را به شیوه ای حل کنیم، باز هم دوری راه و دشواری رفت و آمد هوایی، حضور شرکت کننده ها را با چالش روبرو می کند. تجربه نشان داده، ایرانی ها حتی آنهایی که ساکن آمریکای شمالی نیز هستند، با مشکل مکالمه و درک زبان روبرو هستند. همه اینها باعث میشود، کنگره های جهانی بازدهی که برایشان پیشبینی میشود را نداشته باشند. فناوری می تواند این حوزه را با تحول جدی روبرو کند. پخش اخبار و وقایع همایش به صورت آنلاین، ترجمه همزمان واز راه دور و برگزاری نشست ها و پنل های برنامه با ویدیو کنفرانس، اتفاقی است که همین الان در همایش های مختلف از برنامه های کوچک و کلاس های آنلاین گرفته تا همایش بزرگی مثل افتتاحیه نوبل با همین روش برگزار می شود. باین وجود، هنوز هم کسانی هستند که به دلایل تجاری، اجتماعی، آشنایی و... ترجیح میدهند حضورشان در کنگره حفظ شود. تجربه برنامه های مشابه در جهان نشان میدهد، کمک گرفتن از فناوری برای شرکت در چنین برنامه هایی باعث پر رنگ تر شدن حضور شرکت کننده های فیزیکی وانگیزه بخشیدن به آنها شده است چون به آنها اطمینان می دهد قرار نیست یک برنامه روتین و عادی را تماشا کنند.



سیاسی و اجتماعی زرتشتیان ایران نیز بخشی از این برنامه ها بود. گروهی از جوانان موفق نیز برای حضور در برنامه دعوت شده بودند که البته ترجیح دادند به خاطر دشواری شرایط گرفتن ویزا صرفاً یک پیام تشکر و متن سخنرانی برای برگزارکنندگان بفرستند تا در غیاب شان خوانده شود. برنامه ترجمه همزمان که در دوره های گذشته کنگره چندان موفق و برنامه ریزی شده ظاهر نشده بود و به خاطر توجه ناپدید بودن برگزار آن از نظر اقتصادی، کنار گذاشته شد. در نهایت تعدادی از ایرانی ها در این برنامه شرکت کردند تا در سخنانشان دغدغه های زرتشتیان ساکن ایران در سطوح جهانی را بازگو کرده و در عین حال، همزوری شان را با همکیشان در سراسر دنیا نشان بدهند.

تنوع صدا در همایش کم شده است

کنگره جهانی زرتشتیان، بیشتر از پنجاه سال پیش برای اولین بار در تهران برپا شد. پس از آن، این برنامه هرسال در کشورهایی که زرتشتی ها در آن ساکن هستند، برگزار شده و هدفش به جز آشنا کردن گروه های مختلف از زرتشتیان جوامع مختلف، بررسی چالش های جهانی جامعه زرتشتیان و پیدا کردن راه حل برای آنهاست. در طول این مدت، هندوستان و تهران که جمعیت قابل توجهی از زرتشتیان را در خود جای داده اند، دو بار میزبان این همایش بودند. آمریکا کشور بعدی بود که تعداد زرتشتیان در آن، به طرز قابل توجهی بیشتر از دیگر نقاط جهان بود و توانست یک بار میزبانی این برنامه را به دست بیاورد. نگاه به لیست چهره های دعوت شده در این همایش جهانی در چند سال اخیر نشان میدهد، هرچند هدف از برگزاری این همایش، شنیدن صدای افراد و اقشار متنوع از جماعت زرتشتی است اما در عمل، عموماً یک قشر ثابت و مشخص در این همایش ها شرکت میکنند و تنوع چهره ها آن طور که انتظار میرود، در همایش های جهانی به چشم نمی آید. اگر شرایط همین همایش ها را با نمونه دیگر آن یعنی همایش جهانی جوانان مقایسه کنیم، در بین این افراد به مراتب چهره های جدیدتر و برنامه

همایشی که قرار است صدای همه زرتشتیان جهان باشد، بعد از نیم قرن چقدر به این هدف رسیده؟ چطور میتوان اوضاع را بهتر کرد؟

کنگره جهانی زرتشتیان در تابستان امسال در حالی درپرث استرالیا برگزار میشود که این شهر بزرگ اما دور افتاده استرالیا برای بسیاری از شرکت کنندگانش، به خصوص ایرانی های ساکن داخل کشور، یک مقصد دور، گران و البته با جذابیت نسبتاً کم، در مقایسه با سیدنی و ملبورن بدل شده بود. با این وجود، حضور جوانان و صاحب نظران ایرانی همچنان در این برنامه دیده میشود.

دشواری شرکت در همایشهای جهانی

بیشتر از یک سال پیش بود که اعلام شد، کنگره جهانی زرتشتیان در استرالیا برگزار میشود. انجمن زرتشتیان پرث مسوول برگزاری این همایش معرفی شده و عنوان کرده بود، برنامه های خاصی را برای شرکت همکیشان در نظر میگیرد. طبق روال دوره های گذشته حضور ایرانی ها به خاطر چالش ویزا، اقامت و پرداخت هزینه ها در کنار تسلط کمتر به زبان انگلیسی به یکی از چالش های برگزارکنندگان تبدیل شد. برای کم تر کردن چالش ها گروهی به صورت داوطلبانه در ایران اطلاع رسانی درباره جزییات این برنامه را برعهده گرفتند. یک نفر نیز طی توافق با برگزارکنندگان کنگره قرار شد با دریافت معادل ریالی هزینه نامن ویسی از شرکت کنندگان ساکن ایران، امکان حضور در برنامه را برای آنها ساده تر کند. دعوت از چهره های سرشناس

گزارشی گروه مدیران دوره بیستم مرکز زرتشتیان کالیفرنیا

-پی گیری پروژه های نو سازی
نیایشگاه که توضیح داده شد.
- روز آمد نمودن اجاره سالن
مروارید.

-تعویض فرش قرمز سالن مروارید.
-صدور کارت عضویت هموندان به
صورت الکترونیکی.

-فعال نمودن فیس بوک مرکز و
روزآمد نگه داشتن آن برای آگاهی
بیشتر هموندان و علاقه مندان به
مرکز.

-یاری رساندن به همکیشانی که
درخواست یاری داشتند و ایجاد
فاند کمک به نیازمندان.

-نصب صندوق پیشنهادات و
شکایات در سالن ورودی به مرکز
زرتشتیان برای برقراری ارتباط
بیشتر با گروه مدیران.

-فعال کردن سرویس شبکه
اجتماعی تجاری مرکز (لینکد این)
-به روز رسانی تارنمای مرکز و
اضافه نمودن بخشهای جدید.

-فعال نمودن فاند روانشاد دکتر
مهشید اردشیری که برای کمک به
بیماران نیازمند می باشد.

-ناگفته نماند که موارد یاد شده
خلاصه ای از مجموعه اقدامات انجام
شده در دوره بیستم مدیریت مرکز
بوده که غیر از کارهای جاری مرکز
زرتشتیان کالیفرنیا به عنوان مثال
برگزاری جشن های سده، مهرگان...
همچنین پاسخگویی به صدها ایمیل
و درخواست های گوناگون ازطرف
دانشجویان و استادان دانشگاههای
معتبر و رسیدگی به شکایات و
پیشنهادات رسیده می باشد.

امید است که گروه مدیران دوره
های بعدی بتوانند با یکدلی و
همازوری کارهای شایسته تری
را انجام داده و برای آنان آرزوی
موفقیت داریم.

گروه مدیران دوره بیستم مرکز
زرتشتیان کالیفرنیا



که به گروه مدیران ارتباطی نداشت و یا اینکه اصلا به مرکز ربطی نداشت.
از برجسته ترین کارهای هیئت مدیره بحث و بررسی طرح بازسازی
نیایشگاه بود که تقریباً از اولین هفته های شروع دوره مطرح شد که راجع
به آن به راحتی می توان کتاب مستندی نوشت که چه فراز و نشیب هایی
را گذرانیدیم و سرآمد آن برگزاری مراسم گالا برای نیایشگاه بود که در آن
مراسم دهش های زیادی جمع آوری شد که این دهش ها با تمام جزئیات
در اختیار گروه زنهانداران و فقط برای ادامه پروژه بازسازی و زیبا سازی
نیایشگاه قرار گرفت. در ادامه کارهای انجام شده توسط خدمتگزاران جامعه
زرتشتی در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا گروه مدیره دوره بیستم فهرست وار
ذکر می گردد.

- نصب سیستم برق خورشیدی که علاوه بر کاهش هزینه، خود باعث پاکي
محیط زیست می باشد و این از کارهای اشویی است که محیط زیست خود
را همیشه پاک نگه داریم.

-آماده سازی کلاسهای آموزش در ساختمان فرهنگی و تجهیز نمودن
کلاسهای آموزشی به سیستم های گرمایشی و سرمایشی و دیگر امکانات
لازم برای کودکان و نوجوانان و جوانان و گروه هنر..

-جا به جایی دفتر مرکز به مکانی مناسب تر با فضایی مناسبتر که در شان
مرکز است.
-تعویض دستگاه کپی.

-تجهیز مرکز به دوربینهای مدار بسته.
لازم به یادآوری است که کلیه موارد ذکر شده بدون دهش عزیزان دهشمنند
و یاری رسانی آنان امکان پذیر نبود.

-به روز نمودن دستورالعمل های اجرایی مرکز.
-تشکیل گروه های جدید در مرکز مانند گروه اطلاعات و فن آوری، گروه
ورزش، گروه هنر علاوه بر گروه هایی که قبلاً در مرکز فعال بودند و
دلسوزانه برای جامعه خود کار می کردند.

-نوشتن دستورالعمل سدره پوشی در مرکز برای عزیزانی که در مرکز
سدره پوش شده و تقاضای گواهی سدره پوشی از مرکز را دارند.
-تعمیر و رنگ سالن مروارید گوی.

-رنگ آمیزی گیت مرکز که سالها به صورت ضد زنگ رها شده بود.
-تجهیز ساختمان آزادمهر به سیستم سرمایشی و گرمایشی مناسب.
-نصب سیستم صوتی جدید و خرید میکرفن های جدید.

-برگزاری مراسم گالا برای نوسازی نیایشگاه.

دو سال چه زود گذشت به قول
حکیم عمر خیام نیشابوری که چه
زیبا سرود:

این قافله عمرعجب می گذرد
دریاب دمی که با طرب می گذرد
ساقی غم فردای حریفان چه خوری
پیش از پیاله را که شب می گذرد

گروه مدیران دوره بیستم یک هفته
بعد از انتخابات می ۲۰۱۶ شروع
به کار کرد. حجم کارها بسیار
بود. هنوز کارهای نیمه تمام دوره

ی قبلی بود که می باید تمام می
شد. درخواستهایی از مرکز و گروه
مدیران بود که می باید پاسخگو
بودیم و اهدافی بود که گروه منتخب

در زمان انتخابات قولش را داده
بودند و می باید انجام می شد. گروه
مدیران به جز یکی دو مورد تمامی
عصر و شب چهارشنبه ها ی هر

هفته جهت پیشبرد برنامه های مرکز
زرتشتیان کالیفرنیا جلسه داشته و
در اکثر جلسات از مهمانانی دعوت
می شد و یا حضور پیدا می کردند

که بسته به نوع بحث و تصمیم
گیری، تخصص و تجربه انجام
کار مربوطه را داشتند و نظرات
کارشناسی خود را بیان می کردند.

بنابراین به جرات می توان گفت که
تمامی کارهای انجام شده با نظر
مشاورینی بوده که بدون هیچ گونه
چشمداشتی گروه مدیران را، یاری

رسان بودند.
با توجه به اینکه مرکز یک ارگان غیر
انتفاعی می باشد، گروه مدیران از
تمام ظرفیت خود برای جذب دهش

استفاده کرد. به همین دلیل بود که
در خرج کردن درآمدها هم وسواس
بسیار داشته و سعی نموده کارها با
کیفیت بالا و قیمت کمتر انجام شود.

ذکر این نکته هم جالب و قابل توجه
است گاهی هم کلاه سرمان می
رفت. موقعی کار دشوار می شد، که
می بایست پاسخگوی اموری باشیم

گیوه دوزی دیجیتال در فرانسه

گفت وگو با يك جوان استارتاپ فرانسوي که براي زنان گیوه دوز ایرانی اشتغال زايي کرده و کارش باعث رونق بازاری شده که رو به فراموشي بود اشکان خسروپور

داشت، ناخودآگاه همه چیز را به چشم یک هنرمند در این حوزه دید. او را گیوه هایی که در اصفهان و کردستان دیده بود، به طور خاصی متعجب کرد. خودش می گوید: «هر کفشی که قبلا دیده بودم، چرمی یا چوبی بود. هیچ وقت ندیده بودم کسانی کفش را ببافند. گیوه کفش خاص و تمام دست سازی بود که نمونه اش را ندیده بودم. به فکر رسید چنین ایده ای را به صورت استارتاپی اجرا کنم...» او از حدود یک سال پیش تصمیم گرفت، کار قبلی اش را رها کرده و تمام وقت روی استارتاپ گیوه فروشی جدیدش یعنی Amrose کار کند. «اوسه آن» سه ماهی است که کارش را رسماً آغاز کرده او پروژه اش را در سایت «کیک استارتر» معرفی کرد و توانست برای پروژه اش سرمایه جمع کند.

تلاش برای حل مشکل «سایزبندی»

یکی از مهمترین مشکل های «اوسه آن» شکستن بعضی قانون های سنتی در گیوه دوزی است: «تقریباً همه آدم ها عادت دارند که کفش را حاضر و آماده از مغازه بخرند. آنها بنا به شماره پای شان چند مدل را انتخاب کرده و مناسب ترین نمونه را می خرند. در مورد کسب و کارهایی که در بستر اینترنت هستند، «اندازه بودن کفش» مساله خیلی مهمتری است چون اگر یکبار کفش اندازه پای مشتری نباشد، از شما خرید نمی کند. تغییر کفش هم به خاطر دست دوز بودن آن و البته، دور بودن فرانسه از هنرمندان گیوه دوز دشوار است. به همین دلیل، یک الگوی شماره کفش ایجاد کرده و سعی کردم در چند جلسه آن را به زنان ایرانی که گیوه دوزی می کردند، آموزش بدهم. این روند هنوز هم ادامه دارد.»

پروژه ایرانی-پرتغالی-فرانسوی

مواد اولیه را «اوسه آن» تهیه می کند و آن را در اختیار زنانی از کردستان، اصفهان، زاهدان، زنجان و... می گذارد تا کفش ها را بدوزند. در مرحله بعدی، کفش ها برای پرداخت نهایی به پرتغال برده می شوند که صنعت کفش دوزی بهتری دارد و نسبت به بقیه کشورهای اروپایی، قیمت تمام شده اش کمتر است. او می گوید: «اگر در ایران چنین سیستمی وجود داشت، هزینه تمام شده کمتر و سرعت بیشتری داشتیم اما هنوز نتوانستم چنین کارگاه یا کارخانه ای را پیدا کنم. در بین خود گیوه دوزها از تخته کفش های سنتی و سفتی استفاده می شود که در خارج استفاده از آن مرسوم نیست. دوختن کناره و تخته کفش هم دقیق تر است.»

داستان گیوه هایم را می خرنند

او برای بازاریابی بهتر کفش هایش، به جز این که روی دست دوز و خاص بودن آنها تکیه می کند، تلاش می کند، «داستان گیوه» را بفروشد. گیوه های او طرح های گوناگونی دارند. در جعبه هر گیوه، یک شناسنامه قرار داده شده که نام هر گیوه، یک نقاشی اختصاصی مربوط به آن به دوزبان انگلیسی و فرانسوی و... گنجانده شده اند. بنیان گذار «ام روز» می گوید: «این داستان ها را از زندگی خودم یا سفرهایم به ایران اقتباس کرده ام. نام یکی از کفش هایم «کرانه رود سن» و دیگری «اصفهان» است. کفش های او این روزها در بخش هایی از اروپا و آسیا از جمله ژاپن، انگلیس، فرانسه و... مشتری دارد.

گیوه شاید ساده ترین، قدیمی ترین و در عین حال، پیش پا افتاده ترین پاپ وشی باشد که ما ایرانی ها می شناسیم. نامش را بارها شنیده ایم اما کمتر کسی در شهرهای امروز هست که حاضر باشد، گیوه به پا کند. خرید و فروش گیوه، منحصر به چند استان، آن هم معمولاً به عنوان یک وسیله تزئینی و محض حمایت از صنایع دستی ایرانی است. شاید به خاطر همین نزدیکی زیاد به این پاپوش و قابلیت های تجاری خاصش زیاد توجه نکرده ایم. چند سال پیش، یک جوان توریست فرانسوی در گشت و گذار در بازارهای چند شهر این پاپوش دست دوز را دید و تصمیم گرفت با کمک زنان ایرانی این هنر را در دنیا عرضه کند. کار او بدون این که بداند برای عده زیادی از روستایی ها درآمد زایی کرده و در احیای یک هنر قدیمی ایرانی، تاثیرگذار است. «اوسه آن کاستانه»، بنیان گذار استارتاپ Amrose (ام روز) در گفت و گو با ما داستان استارتاپش را روایت می کند.

ایده ای که هیچ کس جدی نگرفت

«اوسه آن کاستانه» که مدت ها در زمینه مد و پوشاک فعالیت می کرد، وقتی حدود سه سال پیش سفری توریستی به ایران



خوشبختی چیست و خوشبخت کیست؟

دوستی زمانی متنی را برای من ای میل کرد که در مورد مفهوم خوشبختی بود. جملات بسیار عمیقی در آن متن بود ولی یک جمله بیش از همه در دل من نشست و آن مفهوم خوشبختی بود در دو کلمه: خوشبختی = میزان رضایت . حال رضایت چیست؟

رضایت حال خوش ماست زمانیکه خواسته های ما به نحو دلخواه برآورده شود. ولی نکته مهم و ظریف در خواسته های ما نهفته شده که باعث میشود اغلب ما احساس خوشبختی واقعی نکنیم! یعنی نوع خواسته، کیفیت و حتی کمیت آن در به وجود آوردن احساس خوشبختی موثر است. اجازه بدهید بحث را با یک مثال ساده دنبال کنیم. شاید برای یک کودک چند ساله چنگ زدن و قاپیدن یک اسباب بازی و یا کش رفتن یک اینبات و لیسیدن آن کمال خوشبختی باشد، ولی ایا همین دو خواسته ساده میتواند خوشبختی را برای یک جوان بیست ساله دم بخت و یا حتی نوجوان سیزده و یا چهارده ساله داشته باشد؟ مسلماً خیر! به همین صورت به دست آوردن کار خوب، ماشین، ازدواج ایده آل، بچه های موفق و امکانات مناسب زندگی ارزوی هر انسانی برای رسیدن به خوشبختی است اما شاید شما هم متوجه شده باشید با وجودیکه برای رسیدن به هر کدام از این خواسته ها تقلا می کنیم و به دستش می آوریم بعد از مدت کوتاهی باز احساس میکنیم که چیزی در زندگیمان کم است و باز به دنبال خوشبختی میگردیم؟! یعنی احساس رضایتمان کم میشود. ولی چرا؟ شاید مهمترین علت آن باشد که ما انسان ها ذاتاً حریص هستیم و به هیچ موفقیتی هر چند هم در سطح بالا راضی نیستیم. یعنی در زمان کوتاهی آن موفقیت و احساس خوشبختی برای ما عادی می شود و حس خوب زندگی کم رنگ...

حال چاره چیست؟ تمرین!! نه تمرین فیزیکی یا بدنی بلکه تمرین ذهنی و فکری!! ما باید فکر خودمان را طوری عوض کنیم که از لحظه لحظه زندگی خود لذت ببریم حتی زمانی که مسواک میزنیم، دوش میگیریم و یا چای مینوشیم. در زمان حال زندگی کنیم و به قول شاعر خوش ذوق خیام نیشاپو ری:

از دی که گذشت هیچ ازو یاد مکن
فردا که نیامدست فریاد مکن
برنامه و گذشته بنیاد مکن
حالی خوش باش عمر بر باد مکن

در حال حاضر با ارتباطات بسیار وسیع الکترونیکی میتوان در کمترین زمان به همه منابع روان شناسی و مباحث آموزنده طریقه درست زندگی کردن دست یافت. ولی مهم عمل کردن به آن است. خیلی از ما از جمله خود اینجانب همیشه به این فکر میکنیم که عمل خیلی سخت است و نوشتن و نصیحت کردن بسیار اسان. اما به قول انگلیسی زبانان: **no other choice** پس امتحان کنید این طریق جدید زندگی کردن را حتی برای مدتی کوتاه مثل یک هفته، یک روز و یا حتی چند ساعت. شاید گشایشی حاصل شود و شما هم احساس خوشبختی را با تمام وجود بپشید.

سوسن کیانی یزدی
ایدون باد

بازگشت زرتشتیان به ریشه ها (Zoroastrian Return to Roots)



در پایان از تمامی هم کیشان و مراکز زرتشتی خواشمندیم به گسترش و آگاه سازی دیگران از این برنامه و سفرها کمک کنند. از جوانان زرتشتی علاقه مند به تاریخچه پارسیان زرتشتی دعوت میکنیم در این برنامه شرکت کنند با ایده ها، پیشنهادات و توصیه های خود به پیشرفت این برنامه یاری رسانند.

contact@zororoots.org



و در مورد تاریخچه این برنامه ها از زمان آغاز و چشم انداز آن در آینده گفتگو کردند. خانم آبان به حمایت موسسات، سازمانها و افرادی که به شکل گیری و راه اندازی این سفرها یاری می رسانند اشاره کرد. شرکت کنندگان RTR خود را معرفی کردند و در مورد خواسته ها و انتظارات خود از سفر ۱۲ روزه پیش رو صحبت کردند. بیش از ۴ سال و ۴ سفر گذشته است و شمار کل جوانانی که تا اکنون شرکت کرده اند بیش از ۶۵ نفر است، جوانان شرکت کننده در این سفرها پس از بازگشت به شهرها و کشورهای خود در سراسر جهان، سفیران قدرتمندی خواهند بود که از یافته های خود به دیگران سخن میگویند.

این سفر شامل بازدید از زیارت گاه ها، آتشکده ها، موسسات و مراکز زرتشتیان پارسی، در داخل و اطراف بمبئی (Mumbai)، اودواره (Udvada)، نوسری (Navsari)، و سورات (Surat) بود. شرکت کنندگان همچنین در مراسم افتتاحیه دوسالانه فرهنگ زرتشتیان (Iranshah Udvada Utsav) شرکت کردند.



بازگشت به ریشه ها (Return to Roots) برنامه ای برای جوانان است که برای تقویت هویت جامعه در میان جوانان زرتشتی در سراسر جهان طراحی شده است. ایده ی برنامه های بازگشت زرتشتیان به ریشه ها به دلیل قطع ارتباط بین زرتشتیان پراکنده در سراسر دنیا با جوامع اجدادی آنها در ایران و هند متولد شد. این سفرها یک وسیله منحصر به فرد برای تقویت ارتباطات و هویت های اجتماعی است که با جمع کردن گروه های کوچکی از جوانان در سفر و با هدف کشف میراث مذهبی، اجتماعی و فرهنگی خود شکل میگیرد.

چشم انداز:

- جوانان زرتشتی را از سراسر دنیا با ریشه های خود در ایران و هند پیوند می دهد.
- احساس یک جامعه بودن را تقویت می کند و هویت زرتشتی بودن را آشکارتر میکند.
- تمرکز این سفرها بر جوانان و نسل های آینده است.
- ایجاد یک شبکه جهانی از جوانانی که در این سفرها شرکت کرده اند.
- ایجاد یک شبکه ی بنیادی RTR و حمایت مالی برای نسل های آینده زرتشتیان.

برنامه چهارم بازگشت زرتشتیان به ریشه ها ۲۲ دسامبر ۲۰۱۷ در بمبئی آغاز شد. بیش از ۲۴ جوان زرتشتی از ایالات متحده آمریکا، کانادا، انگلستان، نیوزیلند، پاکستان و امارات متحده عربی یک سفر ۱۳ روزه را شروع کردند.

در مراسم افتتاحیه که در خسرو باغ (Cusrow Baug Pavilion) برگزار شد، آبان مارکر-کبراجی (Aban Marker-Kabraji)، نایب رئیس؛ و ارزان سام وادیا (Arzan Sam Wadia)، مدیر برنامه؛ از شرکت کنندگان استقبال کردند و آنها را از برنامه های RTR آگاه کردند



اقامتگاه بوم گردی «ناردونه» واقع در روستای زرتشتی نشین مبارکه یزد که قدمت این روستا به ۴۲۰ سال پیش بر میگردد در بهار سال ۱۳۹۷ با ۳ اتاق تخت خواب دار و ۱ اتاق کف خواب و ۴ سرویس بهداشتی ایرانی و فرنگی و حمام در دو طرف ساختمان به بهره برداری رسید. اتاق ها مجهز به تلویزیون، کولر گازی، تلفن و پکیج می باشد. فاصله ی اقامتگاه تا مرکز استان ۱۵ دقیقه و تا شهرستان تفت ۵ دقیقه می باشد. این بنا در کنار دو سرو کهنسال که قدمت آن ها به ۹۰۰ تا ۱۱۰۰ سال می رسد قرار دارد. موقعیت مکانی بوم گردی «ناردونه» این امکان را به مهمانان گرامی می دهد که از روستای زرتشتی نشین چم و جاذبه های دیدنی این دو روستا بازدید فرمایند



که بی شک مهمترین تاثیر را بر روی اشوزرتشت داشته، یکی از موضوع های ذهنی همسر م برای نمایشنامه نویسی بوده است.

طرح اصلی نمایش را همسر م کاته بیش از یک سال پیش برای یک اجرای پنج دقیقه ایی برای گروه جوانان که اکثرا بیان فارسی ضعیفی داشتند و بر اساس امکانات موجود و محدود مرکز پایه ریزی کرد که البته گروه جوانان هم در نهایت علاقه نشان ندادند و در نتیجه تصمیم گرفتیم که گروه را بازسازی کنیم و همچنین متن را از پنج دقیقه به حداقل یک اجرای نیم ساعته گسترش دهیم، در نتیجه هر دو شروع کردیم به دیالوگ نوشتن و شخصیت راوی را هم در این مرحله اضافه کردیم تا ارتباط بین بخش ها و پرده های نمایش طبیعی تر باشد.

آیا شخصیتی را که در نمایش به عنوان "دغدو" معرفی کردید براساس واقعیت هست؟

قبل از اینکه کاته شروع به نوشتن طرح اولیه نمایش کنه، بیاد دارم که تقریباً تمام منابعی رو که میشد دسترسی داشته باشه را بررسی کرد.

مطلب زیادی در مورد "دغدو" توی تاریخ و کتاب ها وجود نداره و اون چیزی هم که هست قابلیت استناد نداره، اما یک نگاه عقلانی به اندیشه ایی که اشوزرتشت به دنیا ارائه میده، اندیشه ایی که مطلقاً دران از خرافات و ترس خبری نیست، به ما میگوید که یک کسی باید نقش تربیتی بسیار مهمی رو اجرا کرده باشه. با آنکه متن این نمایش تخیلی هست ولی به نظر خیلی عقلانی میاد، اگر فکر کنیم این نقش تربیتی رو "دغدو"، مادر اشوزرتشت به عهده داشته.



فعال بودیم. به خاطر علاقه ایی که به تئاتر دارم، هر وقت که زمینه و امکانی برای این کار پیش بیاد، فرصت رو از دست نمی دهم و مشتاقانه آن را پیگیری می کنم.

در حرفه ایی گفتی که به همه هنرهای علاقه داری، آیا به غیر از تئاتر، کار هنری دیگری هم انجام می دهی؟

بله من عکاسی و فیلم برداری را سالها پیش به شکل حرفه ایی انجام میدادم، همینطور کار مجسمه سازی و ساخت نقش برجسته رو هم، برای نماهای معماری انجام میدهم. اتفاقاً مدتی پیش، برای معبد زاک (ZAK) دو نقش برجسته بزرگ و همچنین دو سرستون ساختم که مورد توجه قرار گرفت

خوب، راجع به نمایش "ملکه اندیشه، دغدو" برامون بگو، راجع متن نمایش، اینکه چطور شروع شد؟

تا اونجایی که من بخاطر دارم سالهاست که شخصیت دغدو

چندی پیش نمایشنامه ایی در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا واقع در وست مینستر با نام "ملکه اندیشه دغدو" اجرا شد که توجه بسیاری را بر انگیزت این نمایش کار مشترک به نویسندگی و کارگردانی کامبیز مغانی و کاته فریدونی بود که یازده نفر در آن نقش آفرینی کردند مصاحبه حاضر گفتگویی است با کامبیز مغانی نویسنده و کارگردان نمایش:

کامبیز، ممکنه بطور خلاصه خودت رو معرفی کنی؟

بله، من متولد سال ۱۳۴۵ هستم. حدود هفده سال پیش به همراه همسر م، کاته فریدونی به آمریکا مهاجرت کردیم، رشته من طراحی صنعتی هست و همسر م هم کارشناس رشته گرافیک، ولی در حال حاضر من و همسر م هردو مشغول به کار خدمات مسکن هستیم.

پس، چطور شد که کار نمایشی کردی؟

من کلاً به تمام زمینه های هنر بسیار علاقمند هستم و یک کمی توان هم تو بعضی از زمینه های هنر دارم.

سالها پیش در گروه تئاتر انجمن ارامنه، کمک مربی تئاتر بودم، بعدها در گروه فرهنگی انجمن زرتشتیان تهران یک گروه تئاتر تشکیل شد که من مربی بودم ولی به دلیل کمبود امکانات و طبق معمول سنگ اندازی هایی که بود کاربرای همیشه متوقف شد و اون گروه هم منحل شد. کاته نیز دوره های بازیگری را در گروه های تاتر دانشگاه تهران و نمایشنامه نویسی را در مرکز خانه نمایش آموخته بود و در انجمن زرتشتیان تهران نیز در گروه نمایش بازیگر بود. بعد از آن توی تئاتر شهر و انجمن تئاتر ایران هردو نفرمان



چرا مدت تمرین این نمایش اینقدر طولانی شد؟ فکر

میکنم ، حدود یک سال طول کشید بله ، کمی بیشتر از یکسال . مشکل این بود که ، ما یک فکری رو یکسال پیش شروع کردیم ، ولی جای خاصی رو برای تمرین نداشتیم . تمرین توی کلاسهای کوچک مرکز که عملاً مارو به جایی نمی رساند . استفاده از سن سالن رو هم که بهمون قول داده بودند به راحتی با پر کردن سالن با برنامه های دیگه از گروه ما گرفتن . ما موندیم با پنج ، شش جلسه دو ساعته یکشنبه بعد از ظهرها و حدوداً ده جلسه سه ساعته که بین ۷ تا ۱۰ شب روزهای جمعه بعد از یک هفته کار و خستگی برگزار میشد. به عبارتی تمرین برای اجرای این نمایش یکسال طول نکشید ، بلکه کمتر از " شصت ساعت " طول کشید. شصت ساعتی که باید تمرین میکردیم ، تست گرم میکردیم ، نصب پرده دکور میکردیم ، تست

و تمرین با میکروفن میکردیم ، تست موسیقی و صدای زمینه میکردیم و طراحی نورهم با امکانات ناقص مرکز میکردیم.

آیا دارید از وضعیتی که برای تمرین داشتید گلایه می کنید؟

نه ، این گلایه نیست ، واقعیتی است که وجود داشت و من فقط ان را گزارش کردم

نقش همسرتون، خانم کاته فریدونی فقط در نوشتن متن بود؟

این کار را من و کاته بطور مشترک انجام دادیم ، با هم نوشتیم ، کارگردانی کردیم و هزار و یک کار دیگه که برای هر کدام از ان کارها به نیروهای حرفه ای احتیاجه ، مسئولیتش رو ما دو نفر به عهده گرفتیم. یک مثال ساده ، همانطور که میدونید وقتی تعداد بازیگر از سه یا چهار نفر بیشتر باشه ، بسیار کار سخت و گاهی طاقت فرسا میشود بخصوص اینکه تعداد مسئولیتهایی که می گیرید بی شمار باشه و مجبور باشی به تک تک افراد گروه برای سؤال یا نظری که دارن با خونسردی گوش بکنید و جواب مناسب رو بدید.

آیا هیچ خاطره ایی از روزهای تمرین داری که بخوای برامون تعریف کنی؟

راستش ، همیشه تمرین تئاتر پراز اتفاقای عجیب و غریبه. بعضی از این اتفاقا شیرین و بعضی هم تلخ هستن ، اما جالب اینه که در نهایت ، بعد از اجرای نهایی حتی اتفاقهای تلخ هم شیرین میشن و همه دلتنگ همدیگه واون لحظات تمرین میشن. این جز ثابت و یکسان تمام تئاتر هاست

آیا نمایش یا برنامه دیگه ایی را برای آینده در نظر دارید؟

هم بله ، هم خیر. بدلیل آنکه برای هر کسی موضوع مهم در

زندگی فعالیت شغلی و درآمد است. ارائه یک تئاتر با ارزش و خوب کار بسیار زمان بر و سخته ، بخصوص برای سازنده نمایش

هیچ مطلبی هست که بخواهید اضافه کنید؟

بله ، میخوام از همه کسانی که یاری گر این نمایش بودن وبه من و کاته کمک کردن تا اجرا بشه ، سپاسگزاری کنم عزیزانی همچون ، مروارید غیبی ، عادلہ آلبا، مهردخت نمیرانیان، مینو فرهنگی، نازیلا پیمان، پرویز منوچهری و بالاخره یار همیشه مهربان و اثرگذار گروه، فرین سرداری از همه بازیگرهای این نمایش سپاسگزارم که با این زمان کم و فشرده ایی که برای تمرین داشتیم هرچه در توان داشتن گذاشتن و و آنچه که اجرا کردن بسیار عالی بود.

با سپاس از شما برای این گفتگو



یادها و خاطرات کودکی هیچ گاه فراموش نمی‌شوند. هفت هشت ساله بودم که عمو سهراب را شناختم. پیش از آن هم به خانه ما می‌آمد و ما به خانه شان می‌رفتیم، ولی تازه کلاس اول یا دوم دبستان بودم که فهمیدم عمو سهراب پسر عموی پدرم است و تازه فهمیدم که چرا به خانه ما رفت و آمد می‌کند. او هر از چندی سری به پسر عمویش که نابینا و از کارافتاده بود می‌زد و از او دستگیری می‌کرد. چهره بسیار مهربانی داشت. خوش تیپ بود و همیشه با کت و شلوار، کفش واکس زده و پیراهن روشن به خانه ما می‌آمد. بیشتر وقت ها با مروارید خانم که یادم می‌آید خیلی شیک پوش بودند با هم به دیدن ما می‌آمدند. ما آن موقع سر و وضع خوبی نداشتیم و من وقتی عمو سهراب و مروارید خانم را با آن وضعیت می دیدم کمی خجالت می‌کشیدم.

روز اول یا دوم عید هر سال برای عید دیدنی به خانه عمو سهراب می‌رفتیم. خانه شان تا جایی که یادم می‌آید پیچ شمیران کوچه بیرجند بود. بهترین لباس هایی را که داشتیم می پوشیدیم. خوب یادم می‌آید که مادرم به ما سفارش می‌کرد و می‌گفت که می‌رویم خانه عمو سهراب؛ یعنی این که به خانه یک آدم متشخص و والامقام می‌رویم و باید حواس مان

را جمع کنیم و با تربیت و کاملاً با احترام رفتار کنیم. خانواده ما آن موقع در یک اتاق زندگی می‌کرد. وقتی عید به خانه عمو سهراب می‌رفتم خیلی تعجب می‌کردم. چون خانه ای مثل خانه آن ها تا آن موقع ندیده بودم. الان درست یادم نیست آن خانه چطوری بود، ولی یادم است که در عالم بچگی تا چند شب، در خواب، خانه عمو سهراب را می‌دیدم. نمی‌دانم چرا این‌طوری بود؟!

پذیرایی های بی‌نظیر مروارید خانم را هم در دید و بازدیدهای عید نوروز هنوز یادم هست. عیدی هم می‌گرفتیم؛ اوایل ۱۰ ریالی بنفش رنگ، سپس ۲۰ ریالی قهوه‌ای کم رنگ و آخرها ۵۰ ریالی سبز رنگ.

بعدها فهمیدم که او به پدرم خیلی کمک کرده است. حتی یادم می‌آید روز مرگ پدرم، در اوایل دهه ۶۰ که من هنوز دانشجو بودم و همسر و یک فرزند هم داشتم، برای خرج مراسم پدرم یک دسته اسکناس (یادم نیست چند ریالی) نو به من کمک کرد که خیلی کارگشا بود.

در واقع گروهی از خیراندیشان بودند که به‌گونه ای یک زنجیره خیراندیشی درست کرده بودند، مانند یک سازمان مددکاری که البته کسی این زنجیره را نمی‌شناخت و طوری کمک می‌کردند که این دست از آن دست خبر نداشته باشد. از این خانواده های خیراندیش و نیکوکار و یاری دهنده بسیار بودند و خیلی زمان برد تا من متوجه شدم که گویا این ها با هم در ارتباط هستند و مانند یک سازمان متشکل مددکاری عمل می‌کنند و بسیاری از خانواده های ندار زرتشتی را زیر پوشش دارند. من کسانی از آن‌ها را بعدها شناختم: عمو سهراب دارابی، جمشید فولادزندی، مهربان منشینی، رستم گیو، نامداران، دکتر فرین و بسیاری دیگر که نام شان یادم نمی‌آید. لباس شب عید بچه هایی مثل من را فراهم می‌کردند. خوراک های باقی مانده از عروسی‌ها را به آن ها می‌رساندند و بسیاری کمک های دیگر که ما در آن سن و سال نمی‌فهمیدیم از کجا می‌آیند.

بعدها که من و برادرم بزرگتر شدیم از سوی سازمان فروهر به ما پارچه کت و شلوار می‌دادند. یادم می‌آید از خیابان ناصرخسرو پیاده می‌رفتم پایین. می‌رفتم تا آخر خیابان به سبزه میدان که می‌رسیدم دست راست، مغازه پارچه فروشی درخشان یزد بود. عمو سهراب آن‌جا بود، با خنده های همیشگی اش. پارچه کت شلواوری را هر رنگی که دوست داشتم، اندازه خودم و برادرم تحویل می‌گرفتم و به خیاطی می‌بردم. فکر کنم آن موقع کلاس نهم یا دهم دبیرستان بودم.

یادش گرامی باشد. سهراب دارابی فارسی. او در سال ۱۳۰۲ خورشیدی از مادری به نام کتایون در شهر یزد زاده شد. نام پدرش داراب بود. یادم می‌آید که پدرم، خسرو بمان پرخیده از اجداد خود که یاد می‌کرد می‌گفت که چند پشت گذشته خانواده شان به لره‌های بختیاری می‌رسد. این گفته در پیش گفتار کتاب واژه نامه گویش زرتشتیان یزد نوشته خانم دکتر کتایون مزداپور هم آمده است. چند پشت پدرم؛ بمان کریم آدر لر بوده است. هر کدام از عموهای پدرم نام خانوادگی جداگانه ای برگزیدند. پدر بزرگ من؛ پرخیده، عمو داراب، دارابی و عمو دیگر پدرم، نام کریمداری را روی خانواده خود گذاردند.

سهراب دارابی دوران دبستان و دبیرستان را در یزد گذراند. از بد روزگار، پدرش را در جوانی از دست داد و ناگهان سرپرست خانواده ای شد با خواهری بزرگتر به نام بانو سیمین دخت و خواهری کوچکتر به نام ارغوان و برادری کوچک به نام رستم. ارغوان، خواهر کوچکتر خیلی زود و در آغاز جوانی درگذشت و خانواده را برای سالیان سال داغدار کرد.

سهراب چند سال بعد از عروس شدن خواهر بزرگترش، خود با مادر و برادر عازم تهران شدند. او هم‌زمان با کار در تجارت‌خانه ای، در دانشسرای عالی تربیت معلم مشغول به تحصیل شد. می‌خواست معلم شود ولی به علت

اوضاع خانوادگی، فکر تدریس را کنار گذاشت. در سال ۱۳۲۸ خورشیدی با دوشیزه مروارید استقامت تهرانی در یزد ازدواج کرده و سپس به تهران آمدند و همراه با مادر و برادر مشغول به زندگی شدند. زنده‌یاد عمو سهراب ۲۵ سال مسئول حسابداری و مدیریت شرکت درخشان یزد در بازار تهران بود. کاری که بدون حتی یک روز مرخصی برای این مدت طولانی انجام داد. بعد از انقلاب بازنشسته شد و در سال ۱۳۷۳ خورشیدی همراه با همسر خود به ایالت کالیفرنیا آمریکا رفت و تا پایان زندگی در شهر ارواین کالیفرنیا به نیکی زیست.

از ویژگی اخلاقی ایشان قانع و شکرگزار بودن، کمک کردن به خویشان، دوستان و آشنایان بدون هیچ چشم‌داشتی، داد و دهش و مشارکت در کارهای خیریه، تهیه پارچه برای لباس عید بچه ها و افراد بی بضاعت زرتشتی بود. دل خوشی اش زن و بچه ها و نوه ها و نتیجه هایش بود و همواره دوست داشت که همگی دور و بر او باشند.

پای صحبت او که می‌نشستی، آخرش به یزد و خانه قدیمی پدری و چاه ۴۰ گز و آب درآوردن با دلو و زورخانه رفتن و خاطرات دوران مدرسه و هم‌کلاسی هایش و همکاری در شرکت درخشان یزد ختم می‌شد.

اگر خانواده عمو سهراب کوشش کنند و این خاطرات را بنویسند و برای من بفرستند می‌توانم برای ثبت در تاریخ آن‌ها را به چاپ رساند و ماندگار کرد.

در این‌جا خوب است یاد می‌کنم از اردشیر اسفندیار آذرگشسب، دایی خیراندیش عمو سهراب. اردشیر آذرگشسب به نامگانه پسرش اسفندیار که در نوجوانی در یک حادثه جان خود را از دست می‌دهد در غرب دبیرستان فیروزبهرام ساختمانی دارای چهار کلاس و در ۲ طبقه می‌سازد و به فضای آموزشی آن‌جا می‌افزاید.

با سپاس از فرزندگان بانو مهرانگیز جم زاده و آقای هوشنگ فرهمند برای همیاری در بخش نودادها و در اختیار نهادن فرتورها.

- یکشنبه ها برنامه نیایش توسط موبد اشکان و نونهالان کلاسهای مرکز برگزار می شود و سپس در پایان آهنگ اشم وهو و یتاهو همراه با گیتار



شهرزاد اش و پیانو کورش اش و آوای نونهالان کلاس مرکز و با همیاری هموندان در مرکز اجرا می شود.



- کمپ زمستانی گروه آموزش مرکز زرتشتیان کالیفرنیا در روز شنبه ۲۴ فوریه از ۲ پسرین برای کودکان ۸ تا ۱۳ سال در مرکز برگزار شد.

- گروه مدیران مرکز زرتشتیان کالیفرنیا همه ی هموندان گرمی را فرا خواند که در نشست همگانی هموندان که ۲ پسرین روز یکشنبه ۴ مارچ برگزار شد شرکت کنند. در این گردهمایی گروه نگرش بر گزیدمان گردش ۲۱ گروه مدیران مرکز برگزیده شدند.

- نمایشنامه بانوی اندیشه دغدو کاری از کامبیز مغانی و کاته فریدونی؛ شنبه، دهم مارچ همراه با ۲ گفت و شنود در پیوند با نمایش، و پخش فیلم پشت صحنه اجرا شد.

- گهنبار چهره همس پت میدیم گاه ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۱۸ مارچ ۲۰۱۸ در مرکز برگزار شد. هزینه گهنبار را کدبان فریدون گشتاسبی و همسر ایشان بانو فرانک غیبی به نامگانه روانشاد ایراندخت انوشیروانی دهش کرده بودند.

- همکیشانی که امسال درگذشته ای داشتند آیین یادبود روز یکم سال نو را در روز چهارشنبه یکم فروردین (بیست و یکم مارچ) از ۶ تا ۹ شب بگونه ی همگانی در تالار مروارید گیو این مرکز برگزار کردند.

- جشن نوروز و زادروز اشوزرتشت روز شنبه ۲۴ مارچ با دید و بازدید آغاز و با برنامه های شاد به سرپرستی گروه جشنها ادامه یافت. سفره زیبای هفت سین به شکوه این جشن افزوده بود. در همین شب برای ایجاد بانک استخوان زرتشتیان از همکیشان نیکو کار نمونه بزاق دهان گرفته شد.

- شاهنامه خوانی با دکتر چای چی ۱۰ بامداد روزهای یکشنبه در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار می شود و با همکاری جوانان و سرپرستی رستم کیومرثی داستان رستم و تهمنه برگزار گردید.

- کمپ جوانان ۱۸-۳۵ سال به مدت دو روز در بیگ بیر برگزار شد.

- سمینار چگونگی ایجاد روابط سالم با همکاری دکتر یاسایی و فلور تهرانی در مرکز برگزار شد.

- هفتمین جلسه کنگره جوانان زرتشتی در روز چهارشنبه با شرکت نمایندگان گروه مدیران ، زنهارداران، فزانا و گروه جوانان برای تصمیم گیری در مورد کنگره جوانان زرتشتی که سال دیگر میزبان آن خواهیم بود تشکیل گردید.

- مرکز زرتشتیان کالیفرنیا از ۲۶-۲۹ اپریل میزبان گردهمایی سالانه فزانا بود. گردهمایی ها از ۹ بامداد آغاز و تا ۵ پسرین ادامه می یافت. برنامه ها شامل جشن خوانی موبدان، برنامه تفریحی، دیدار از مراکز مختلف زرتشتیان و سخنرانی بود.

- شب نشینی با شکوهی شنبه شب ۲۸ اپریل در تالار مروارید مرکز زرتشتیان کالیفرنیا همراه با شام و برنامه های شاد و دی جی برگزار شد. درآمد این برنامه برای برگزاری کنگره جهانی جوانان که سال دیگر با میزبانی جوانان مرکز برگزار میشود، به کار خواهد رفت.

- گهنبار چهره میدیوزرم گاه از ۱۱ بامداد روز یکشنبه ۶ می ۲۰۱۸ در مرکز برگزار شد. هزینه گهنبار را بانو مروارید استقامت به نامگانه همسرشان روانشاد سهراب دارابی فارسی دهش کرده بودند. در این روز برنامه هنری از سوی گروه موسیقی جوانان اجرا شد.

- سالنامه ی زرتشتی به نشانی هموندان مرکز فرستاده شد. این سالنامه از سوی بنیاد نیکوکارانه بانو مروارید گیو چاپ و به صورت رایگان به همکیشان پیشکش می گردد.

- جلسه جوانان هماهنگ کننده کنگره جوانان زرتشتی که سال دیگر میزبان آن خواهیم بود ۱۲ می در مرکز زرتشتیان برگزار شد.

- نشست پرسش و پاسخ گروه مدیران دوره ۲۱ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.

پرسه

آیین پرسه روانشاد همایون سروش کمدار روز یکشنبه ۱۰ مارچ در در مهر مرکز لس آنجلس برگزار شد.

آیین پرسه روانشاد دکتر فرهنگ مهر روز یکشنبه ۱۱ مارچ در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد.

آیین پرسه روانشاد ویسدا سروشیان روز یکشنبه ۸ اپریل در مرکز زرتشتیان

کالیفرنیا برگزار شد. آیین پرسه روانشاد فتانه فرید روز شنبه ۱۲ می در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار شد. آیین پرسه روانشاد پردخت (حاجی) ورجاوند روز یکشنبه ۱۳ می در بانو شیرین شروینی ۵۰ دلار بانو گوهر بهدادنیا ۱۰۰ دلار بانو گیتا یکتایی ۲۰۲ دلار برای سدره پوشی فرزندان بانو شکوفه دهموبد ۴۷۶.۳۱ دلار



بانو شیدا انوشیروانی ۱۰۰ دلار برای تزیینات شب نشینی آقای روبین تن و بانو ریوتا روشن ۱۰۱ دلار برای جوانان بانو دالی ملوا ۱۰۱ دلار برای ساخت رمپ نیایشگاه بانو مژگانی ۱۰۰ دلار برای ساخت رمپ نیایشگاه آقای جمشید اورمزدی ۱۰۱ دلار برای ساخت رمپ نیایشگاه آقای مهران و بانو میترا مزدیسنی ۱۵۱ دلار برای ساخت رمپ نیایشگاه آقای مهران مهرفر و بانو فرزانه مهرفر ۱۱۱ دلار برای ساخت رمپ نیایشگاه آقای داریوش و بانو ماندانا دارابی فارسی ۱۰۰۰ دلار برای ساخت رمپ نیایشگاه بانو پریش امیغی ۱۰۱ دلار برای کمک به فاند مهشید شهریاری بانو ماندانا پیشدادی ۵۰۰ دلار برای کمک به فاند مهشید شهریاری بانو منیژه استواری ۱۰۰۰ دلار برای اولین سالگرد درگذشت روانشاد هرمزدار اردشیر استواری خیراندیش ۱۰۰ دلار اوستا خوانی آقای شهریار و بانو شهناز پارسی ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشادان فیروز و سیمین اذرگشسب بانو پردخت کامیار ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد رستم غیبی بانو فرنگیس جم زاده ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد خدیار خسرویانی بانو سیمین بستان ۹۰ دلار اوستا خوانی برای روانشادان بهمن و سهراب نووزیان، همایون هورشتی، ژانت مدرسی بانو ونوس ویژه کشورستانی ۱۶۲ دلار اوستا خوانی برای روانشادان سرور صفاهانی زاده و رستم ملک پور، جمشید بهمن نوروزیان، فریدون ویژه کشورستانی، زربانو جهانبخش آقای بیژن شایسته ۱۰۰ دلار اوستا خوانی برای روانشاد لهراسب شایسته آقای رستم کرمانی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشادان سرور شهریاری و بهرام قره بی کرمانی بانو شیرین خانی ۱۰۱ دلار اوستا خوانی برای روانشاد فریدون مهرآیین گهنبار اسامی افرادی که از تاریخ ۰۱/۰۷/۲۰۱۸ تا ۰۶/۰۵/۲۰۱۸ ۵۰ دلار یا بیشتر به برگزاری گهنبار دهش نموده اند

مرکز زرتشتیان کالیفرنیا لس آنجلس ساختمان آبادیان ، سالن شید فر و شرکا برگزار شد. درگذشت آیین روانشادان را به خانواده و آشنایان آرامش باد گفته شادی روان آن زنده یادان و تندرستی و دیرزیوی بازماندگان را از اهورامزدا خواستاریم.

آگهی

یارانه درمانی روانشاد دکتر مهشید اردشیری برای یاری رسانی به بیماران میباشد. برای دریافت یاری و یا دهش به این یارانه به مرکز زنگ بگیریید. آقای سهراب سهرابی کشتی و سدره و کلاه به مرکز دهش کرده اند. افرادی که می خواهند سدره پوش شوند می توانند آنها را به صورت رایگان دریافت کنند.

کمپ دو روزه جوانان زرتشتی جنوب کالیفرنیا از ۲۴-۲۲ جون برای سنین ۱۸-۱۴ سال برگزار می شود برای نام نویسی به مرکز زنگ بزنید. گروه هنر مرکز زرتشتیان کالیفرنیا همیار تازه می پذیرد برای هموندی در گروه هنر نیازی به دانش هنری ندارید تنها ایده های نو و گیرای خود را با ما در میان بگذارید.

دوره های آموزش پیانو در مرکز زرتشتیان کالیفرنیا برگزار می شود برای آگاهی بیشتر و شرکت در دوره ها به مرکز زنگ بزنید. مجله چهره نما آگهی می پذیرد برای آگاهی بیشتر به مرکز زنگ بزنید.

دهشمندان

آقای بهرام کسروی و بانو گیلدا کشاورزبان ۵۰۰ دلار بانو ویرا سنتوکه ۵۱ دلار بانو منیژه یزدانپناه ۳۶۰ دلار آقای سیروس زین آبادی و بانو هما شهریاری برای سدره پوشی نوه ها اندیشه، آریانه، لیلی، ۱۰۰۱ دلار بانو شیرین سپهری ۱۰۱ دلار بانو گلپانو شهریاری ۲۰۰ دلار آقای بابک آبادی ۱۰۰۰ دلار خیراندیش ۵۰۰ دلار آقای فرزین نوروزی ۲۰۲ دلار به نامگانه مهربان خداداد نوروزی

هزینه گهنبار همس پت میدیم گاه را خانم فرانک و آقای فریدون گشتاسبی بنامگانه روانشاد ایراندخت انوشیروانی دهش نموده اند
هزینه گهنبار میدیازرم گاه را خانم مروارید استقامت بنامگانه همسرشان روانشاد سهراب دارابی (فارسی) دهش نموده اند
لرک گهنبار همس پت میدیم گاه را خانواده عزتی بنامگانه روانشادبانو همایون خسروی ماوندی دهش نموده اند

آقای سهراب رستمیان بنامگانه مادرشان روانشاد فیروزه رستم سلی ۳۰۰ دلار
آقای رستم شیرمردیان بنامگانه روانشادان رشید شیرمردیان شریف آباد و مروارید جمشید پور شریف آباد ۲۰۰ دلار
آقای رستم سلامتی سرده بنامگانه روانشادان اردشیر بهرام سلامتی و خوشنام کیخسرو ۱۵۰ دلار

خانم دلارام مهررستمی بنامگانه روانشادان خدابخش مهررستمی و خدابخش یزدان پرستان ۱۲۰ دلار

خانم ایراندخت جهانیان بنامگانه همسرشان روانشاد کیخسروسروشیان و پدر و مادرشان روانشادان فریدون و گوهربانو سروشیان ۱۱۱ دلار

خانم مروارید خرمی (عزتی) بنامگانه همسرشان روانشاد روح الله عزتی ۱۱۰ دلار

آقای مهندس ایرج سلامتی ۱۱۰ دلار
خانواده جمشیدیان بنامگانه ماندگار خسرو جمشیدیان شریف آباد ۱۰۱ دلار
خانم مهرک و آقای پیمان خدادادی بنامگانه روانشاد فیروزه بهرام جمشیدی ۱۰۱ دلار

آقای کاووس کنت بنامگانه روانشاد رشید خداداد کنت ۱۰۱ دلار
آقای کامران سهرابی ۱۰۱ دلار

خانم پروین دهموبد بنامگانه مادر و پدرشان روانشادان شیرین دینیار ذهبی و رشید رستم دهموبد کمک غیر نقدی
اسامی افرادی که ۱۰۰ دلار دهش نموده اند
خانم کتابون نجمی

خانم نگین اجباری بنامگانه روانشادان ماه خورشید مهربان گرشاسبی و مروارید خداداد مندگاریان

خانم شیرین فلفلی بنامگانه روانشاد جمشید دهموبد نصر آبادی
آقای منوچهر دهموبد بنامگانه مادرشان بانو ولی شریف آباد

بانو پریدخت یزدانی بیوکی و آقای گودرز بختیاری به نامگانه روانشادان رستم، مروارید، گوهر، منوچهر یزدانی بیوکی

بانو پریدخت یزدانی بیوکی و آقای گودرز بختیاری به نامگانه روانشادان بهرام، مهربان، اردشیر، هویخت بختیاری

خانم کتابون نجمی بنامگانه روانشاد منوچهر خداداد فرودی
خانم پریدخت موبد کسری زاده

آقای مهربان رستم دهموبد بنامگانه روانشادان رستم دهموبد، سرور یزدگرد، مروارید و فرزندان آن روانشادان

خانم شهرزادو آقای کوروش رشتناری
خانم پروانه نوش و آقای ارژنگ رشیدی بنامگانه روانشاد آرش کیخسرو جاماسب نژاد کمک غیر نقدی

خانم پروانه جمشیدپور و آقای مهرزاد ماندگار یک عدد دیگ بزرگ از ایران آورده و دهش نموده اند

خانم فرین و آقای روزبه کسروی کمک غیر نقدی

خانم ایراندخت جهانیان بنامگانه تازه در گذشته روانشاد دکتر هما گل جهانیان

۷۷ دلار

خانم گوهرناز زایی و آقای هوشنگ باستانی ۶۰ دلار
خانم شکوفه دهموبد بنامگانه پدرشان روانشاد جمشید رستم دهموبد ۶۰ دلار
آقای اردشیر مهرشاهی بنامگانه پدرشان شهریار مهر شاهی ۶۰ دلار
خانم پروین موبد بنامگانه مادر و پدرشان روانشادان شیرین دینیار رشید و رشید رستم دهموبد ۶۰ دلار

خانم کیاندخت دهنوی و خانواده ۶۰ دلار
خانم مهرانگیز جم زاده بنامگانه مادرشان روانشاد شیرین مزدایی ۵۵ دلار

آقای رستم کسروی ۵۵ دلار
خانم مروارید استقامت تهرانی بنامگانه روانشاد سهراب دارابی فارسی ۵۱ دلار
خانم سیمیندخت اردشیر خرمشاهی برای تندرستی ندا اردشیر فیروزفر با خانواده

۵۱ دلار
خانم کیاندخت اشیدری ۵۰ دلار
خانم مهرنوش دهموبد ۵۰ دلار

خانم سیمیندخت خرمشاهی بنامگانه روانشاد اسفندیار خدامراد آذر مهر ۵۰ دلار
آقای دینیار دمهری ۵۰ دلار

جهت سلامتی سهراب موبد ۵۰ دلار
خیراندیشانی که مایل نبودند اسامی آنها به آگاهی برسد پنج نفر میباشند که در مجموع ۳۹۰ دلار دهش نموده اند

در پایان امیدواریم گهنبار یار، پشت و پناه همه دهش کنندگان و افرادی که در برگزاری این گهنبار ها همیاری نموده اند، باشد

اخبار مرکز زرتشتیان لس آنجلس، ولی

این مرکز مانند همیشه تلاش نموده با همیاری همکیشان و دوستاران آیین دین بهی،

آیینها و جشنهای باستانی و دینی و همچنین کلاسهای آموزشی را بر پادارد. همچنین جهت رشد و آگاهی بزرگسالان کلاسهای تفسیر گاتها و آموزش دین دبیره و سدره پوشی به همت خانم نوشین جهانگیری

و کلاسهای مخصوص والدین در مورد روشهای برخورد با کودکانمان به همت خانم فرشته مزدیسنی برگزار میشود

با آگاهی روزافزون دیگر جوامع از آیین دین بهی و تقاضا دبیرستانها و دانشگاهها از این مرکز و با مراجعه یا دعوت از آنها

در تلاش به شناساندن این آیین به آنها به همت هیبت مدیره و گروه آموزشی هستیم

همچنین تورنمنهای تخته نرد، شطرنج، فوتبالیستی، پینگ پنگ، حکم، نمایش فیلم در زمانهای مختلف انجام میشود

به مانند هر سال در تلاش هستیم یاد و خاطره پیرسبز را در پارک التا دنا در تاریخ ۲۴ جون ۲۰۱۸ برگزار نماییم

امیدواریم با حضور خود روزی شاد و خاطره انگیز برای خود و کودکان دلبندتان بیافرینید، این مراسم همراه با اوستاخوانی

و پذیرایی اش و سیرگ میباشد.

مرکز زرتشتیان لس آنجلس، (ولی) آماده همکاری با همکیشان و دوستاران آیین دین بهی میباشد.

De soto ave, Canoga Park, CA 91303 6515 آدرس:

8186108610:تلفن

bod-czcla@googlegroups.com:ایمیل

گزارش

عملیات بازسازی مرکز فرهنگی زرتشتیان جنوب کالیفرنیا در لس آنجلس، ساختمان آبادیان در ماه آگوست ۲۰۱۷ با کوشش هیئت مدیره قبلی مرکز لس آنجلس با مدیریت آقای شهرام قندهاری زاده شروع و در ماه مارچ ۲۰۱۸ به پایان رسید. در طول هشت ماه عملیات ساختمانی این مرکز دایر و به فعالیت روزانه خود ادامه داد. عملیات بازسازی به پشتیبانی هیئت امنا و هیئت مدیره فعلی مرکز لس آنجلس و زحمات هیئت مدیره که در رابطه با ساختمان است؛ خانم میترا زرتشتی، آقای مهرداد زمردی، آقای گشتاسب استاد و آقای مهران پوردهقان و همچنین آقای مهندس بهنام آبادیان بعنوان مدیر اجرایی و آقای مهندس بهرام زرین افسر (طراح) اجرا و با موفقیت به پایان رسید.

دهشمندان مرکز لس آنجلس

خانم فهیم بانو شاملو
سین نوروز
خانم مریم و پرویز فلاحتی
خانم آرمیتی یزدانی
خانم نیلوفر گیو
همایون گیو
خانم فرانک سامیا
آقای پدرام رحیمی کیان
آقای کامران یسنا فر
آقای شاپور تبریزی
خانم ویدا سهراب
مادرشان هما ایدون
خانم ماهرخ ورجاوند

۲۰۰ دلار و تزئین سفره هفت
۳۰۰ دلار
۱۰۱ دلار
۲۰۰ دلار بنامگانه روانشاد
۱۵۰ دلار
۱۰۰ دلار
یک دستگاه تلویزیون ۶۵ اینچ
یک عدد فوتبال دستی
۲۰۱ دلار بنامگانه روانشاد
۱۰۰ دلار

اخبار مرکز زرتشتیان سن دیگو

خیر اندیشان
کاووس کنت
بهرام بانکی
هما زرتشتی
همایون دولت زاده
فرناز کریمدادی
کاملیز فرودی
رستم اختر خاوری
شهناز اخترخاوری
روزبه کوه نوری
تیرانداز گشناسبی

۳۰۳
۲۵۰
۱۵۰
۱۵۰
۱۵۰
۱۰۱
۱۰۱
۱۰۰
۱۰۰
۱۰۰

مهمانی نوروز ۱۳۹۷

مهمانی سر آغاز سال جدید ۱۳۹۷ در تاریخ جمعه ۱۶ مارچ برابر ۲۵ اسفند

با حضور تمام سنین همکیشان در سالن پذیرایی مجلل رویال با اجرا خواننده مایکل، یاشار و دیجی جولوس و پذیرایی شام ایرانی جشن گرفته شد.

گهنبار چهره همسپتیم گاه

طبق روال گذشته مراسم گهنبار در روز یکشنبه ۱۱ مارچ برابر با ۱۰ اسفند ماه در سالن "داو کنیون" با مدیریت اعضای انجمن و همکاری عاشقانه همکیشان گرامی در تدارکات مراسم همراه با خیرات برگزار گردید.

سمینار آموزش دین زرتشت

سمینار آموزش دین زرتشت در خصوص سرودهای آسمانی اشوزرتشت (گاتها)، امشاسپندان و کلیات دین زرتشت توسط استاد ارجمند و فرهیخته جناب آقای موبد فربرز شهزادی به زبان انگلیسی باحضور جمعی از دوستداران راه اشا در سندیگودر روز ۴ مارچ برابر با ۱۳ اسفند برگزار گردید.

ورزش همگانی

پیاده روی همگانی به صورت هر دو هفته یکبار به صورت منظم با حضور تمام سنین دوستداران ورزش سندیگو در "لیک میرامار" در تاریخ های ۴ مارچ، ۸ آوریل، ۲۲ آوریل برگزار گردید.

کلاس آموزش اوستا

با مدیریت اعضای انجمن و همکاری بی نظیر والدین، خردسالان و نوجوانان جامعه زرتشتیان سندیگو در روز های یکشنبه ۴ مارچ، ۸ آوریل و ۲۹ آوریل در سالن "کاسابلانکا" گرد هم آمده و در آموزشهای دینی و اوستا خوانی شرکت میکنند.



California Zoroastrian Center
8952 Hazard ave
Westminster, Ca 92683

Non-profit Org
U.S. Postage
PAID
Permit No. 12300
Huntington Beach, CA 92647

Chehreh Nama

Publication of California Zoroastrian Center

Finding Balance

Environmentalism



June 2018

Women in Avesta

www.czcjournal.org

Issue No. 186

Editor's note :

When I moved to Southern California over 30 years ago it seemed there were less than 500 Zoroastrians here and there was a divide. Parsi's didn't mingle with Persian Z's and vice versa. Flash forward more than 3 decades to a time when this area is home to the largest population of Zoroastrians in North America they still don't. Where there is empowerment in numbers Parsi's and Iranian have their own separate temples where only the similar attend. It is very challenging to bring together two communities that despite their love of Zarathushtra don't share the same language, culture or food. Yet when you look around the Mexican, Philipino and American Christians don't share anything except their love of Christ. Same can be said for many other religions that are practiced differently around the world.

Many of the Zoroastrian immigrants who reside here have tried to bridge the gap as we should but with little success. However the next generation who was born and raised here doesn't have the same baggage we do. They are not so set on how one should believe or practice the Zoroastrian way and I feel the dividing lines have become more invisible and the commonalities have increased.

It is awesome to see Zoroastrian centered events that are geared towards the young and encouraging to see the young show interest in attending these events. What is even better than the above is to see the Parsi youth and Iranian Zoroastrian youth mingle and meet and see the similarities among themselves. My wish is our children will be united in their pursuit of religious identity and find strength in their shared heritage.

In this issue our guest editor brings our attention to the environment and we read about Zoroastrian return to roots program from a couple of our young attendees. We also read about the World Zoroastrian Youth Leaders Forum from another young person who made connections there.

Here is to stronger connections and common ground in this ever divisive world.

*Ushka,
Fariha*

As we celebrate graduations of loved ones in 2018 if you wish to share your own or your family member's acceptance or graduation from a university please email their name, university's name, and field of study to cninfo@czcjournal.org by August 10, 2018. It will be published in our fall issue

Graphic Designer
Kevin Yektahi

Awarded for best director and best movie in Iran animation festival (2010)

- * Business Cards & Logo Design
- * Letter Heads & Brochure Design
- * Photographer
- * Eailer Design or Banner Design

Email: kevinyektahi@gmail.com
Tel: 949 2787675



Chehreh Nama

www.czcjournal.org

California Zoroastrian Center
8952 Hazard Ave Westminster, CA 92683
Chehrenama's Email :
cninfo@czcjournal.org
Tel : (714)893-4737
Fax: (866)741-2365
czc publication's website :
www.czcjournal.org



You can now donate online to any czcpublication go to :
www.czcjournal.org and the bottom of the page you will see following
please consider donating to chehretnama

Thank you
CZC will send you IRS accepted receipt for any amount of donation

Graphic Design & typesetting :
Kevin Yektahi
Internet :
Ramin Shahriari

Editorial Policy :

The opinions expressed in articles we publish are those of the authors , and may or may not represent the views of the Editorial Board of Chehretnama, or the Board of Directions of CZC
Chehrenama is a quarterly publication published in March, June, September and December

This publication is printed with the help of donation from Morvarid Guiv Trust

ChehreNama has begun a new approach of having a guest editor for each issue of the journal. The guest editor and their invited writers will produce two or more articles focused on a topic of importance in the context of the 21st century and present the Zoroastrian perspective on it.

In this issue we are pleased to introduce Orang Demehry as our guest editor with his theme “Environmental Issues”



You don't have to search far to hear about or see the vast and increasing environmental issues and debates. There is not a day that goes by that we don't hear about topics such as pollution, global warming, natural resource depletion, waste disposal, climate change, extreme weather, loss of biodiversity, deforestation, ocean acidification, ozone layer depletion, water pollution, public health issues linked to pollutants, genetic engineering, unsustainable plastic waste, water scarcity, melting polar ice, U.S. pulling out of the Paris Climate Agreement, fracking, and the list goes on and on. It is a good thing that we are constantly being exposed to these topics. Pay attention, do not tune it out.

Per our Zoroastrian faith, it is simply evil to pollute. We believe in preserving the purity of nature and its balance. The U.S. shocked the world by withdrawing last June from the Paris Climate Agreement. But luckily the world (and states such as California) decided climate change was a far too important issue to slow down. Our actions need to be on the side of good and favor protecting this planet. Given the critical crossroads we are at, the following two articles provide some perspectives on the topic.

Environmentalism in Context

By Orang Demehry

I recently read an article entitled, “Information Security in Context” by Steven J. Ross. I found his points and the manner in which he wrote this article to have so much applicability to the way I think of promoting the environment; just as I promote information security during my day job. I thought it would be interesting to adapt his article to make a point about environmentalism.

I do not believe in environmentalism.

I support environmentalism. I encourage people to implement and maintain ways to protect and promote environmentalism. But I do not believe in it. Belief is black or white. It admits no shades of grey. Environmental protection is not an absolute.

I do have beliefs- religious, moral and political- which I have absolutely no intention of addressing in this article. In fact, they are not suited to discussion because, as beliefs, they are not subject to argument. One set of beliefs can only be confronted by another, not proven right or wrong. In the past, and even in the present, people have died for what they believe in. The Zoroastrian population was just about completely wiped out due to our beliefs. I would like to think that I have the strength of character to die for my beliefs, but I am surely not prepared to die for the sake of environmentalism because there is not one way.

I have encountered many environmentalist who act as though protecting the environment is a holy endeavor. As a Zoroastrian, for sure the respect and protection of the environment is engrained into our culture, rituals and dogma. Unlike typical belief systems, environmentalism has no contradictory beliefs. No one is directly for destroying our world. Of course, that is not literally true. There are some really bad people who want to kill animals for fun and pollute with no boundaries, but they are against protecting your environment, but not against protecting their own environment they experience every day. In the absence of a counterargument, some environmentalist may treat protecting the environment as a cause, not as an attribute of global well-being.

Why is this bad? My concern is that such passion leads to inflexibility. It can not only isolate the person (or group of people), but also creates an atmosphere that there is only one way. If environmentalism is portrayed as the One True Way, its proponents lose sight of the fact that others have different incentives, such as cost reduction,

mission achievement and profit. This is not to say that environmentalism is necessarily always contrary to these, but close-mindedness crowds on both sides out the ability to understand what drives other people. Zoroastrianism definitely outlines approaching life with an open mind and heart. Therefore, environmentalism receives resistance rather than an understanding that could lead people to accommodate promoting environmental protection along with their own motivators.

This is not an argument in favor of compromise of the basic principles of environmentalism. I'd like to think that it is a recognition that environmentalism must be placed in context. Of course, the more we go down the road of destroying our planet, the less room for context we have. For example, the context of providing housing versus destroying a wetland. The destruction of the wetland might lead to the destruction of more homes by removing the buffer against storm surges. But then housing prices go up if we don't build, resulting in more homelessness. But if the wetland is the home of the last surviving whooping crane then that changes the context. There are of course compromises and alternatives to these scenarios, but if environmentalism (or capitalism for that matter) is a belief, there might be no compromise. Once again, it is all a matter of context.

In all organizations, environmentalism needs advocates, not fanatics. No one is going to achieve environmental goals alone. This calls for continuous persuasion, through research, education, and marketing. Environmentalism much be conveyed as a way of living and doing business that is beneficial globally for organizations and countries, as well as for individuals. The inherent goodness of preserving natural resources much be demonstrated, not just presented as revealed truth. Environmentalist must be salespeople, teachers, leaders and advocates.

Environmental rallies, conferences, meetings and seminars are wonderful for learning, but they are not ideal venues for listening to different perspectives about the topic at hand. If everyone in the room is a fellow environmentalist, there are not likely to be some more strongly in favor of protecting the environment and others less so. There are shared assumptions and a common vocabulary that reinforce existing mindedness or thinking.

If you are an environmentalist by day or by night (part-time), our objective should be not to get other people to do what we do, but rather incorporate environmental friendly behavior into what they do; whatever that might

be. They should make, for example, their daily work and companies they own or work for more environmentally friendly, ensure decisions take into account negative environmental impacts, select environmental friendly products and services for both home and work, etc. At best, we want them to influence others to work with the environment in mind. Good environmental thoughts and deeds.

I am sure the discussion of environmentalism as a belief will raise some eyebrows with those that are avid protectors of nature. If that is the case, then I have not explained my position well enough. By all means, be an advocate for environmentalism. Be creative and influential in the communities of which you are a part. But temper the message so that environmentalism is perceived as beneficial to individuals, communities and organizations.



Orang Demehry resides in Huntington Beach, CA and is a proud father of two children and the husband to a beautiful wife of 15 years. He is currently the Director of Internal Audit at First American Title specializing in Information Security. He earned his degree in Accounting from George Mason University and a master's degree in Computer Information Systems. He holds various certificates including a CPA and CISA.

Finding Balance in an Imbalanced World

Zavash Dehesh

It goes without saying that the world today is riddled with complexity. Over time it has become increasingly difficult to live a simple and honest life as Zoroaster taught, exemplified in the simple words that convey a powerful philosophy: "Turn yourself not away from the three best things: good thought, good word, and good deed."

Our modern world is plagued by imbalances - not just between humans and nature, but between people, who, in spite of our technological advancements, have never been more confused and divided. The western conception of the world is deeply rooted in materialism, and in a mentality that pits mankind against nature and itself, rather than seeing the whole as being inextricably connected. The fruits of modern society make it clear that we can't go on living this way. Zoroaster taught that we have to keep the four elements in balance: Earth, Fire, Water, and Air. All are wildly out of balance.

Few places are as clear a case study in imbalance as California. Anyone who lives in the Golden State need not be reminded of the horrible air quality in its major cities. Six out of the top ten most polluted cities are located in California, with Los Angeles ranked at #1 in the country. The fossil fuels we burn today are the biggest sources of pollutants in the atmosphere, and we are using them up at an unsustainable rate.

The guiding symbol of Zoroastrianism is fire; the fire which radiates light, inspires, and illuminates the way. Now we live in a world dominated by fire, but fire as a destructive, not guiding, force. Our fire is in the combustion engines that pollute the air and the wildfires that raze California every year. Some wildfires are started from vehicles that pull over to the side of the road near grass and weeds. The catalytic converters and exhaust systems underneath the vehicles produce lots of heat, often so hot that they can easily ignite dry vegetation and spark uncontrollable wildfires that wipe out homes and ecosystems.

Again, this all happens due to our inability to balance our ways of living with our environment. Although the majority of California is a desert, we aren't tending it properly or respecting the land, and thus, aren't able to fulfill our duty as its stewards.

By moving into the cities, we've lost our natural tendency to be gardeners, farmers, and caretakers of the Earth. In antiquity, Zoroastrians were known as great gardeners

with rich traditions of horticulture and arboriculture. Even today, traditions of walled gardens persist in Zoroastrian communities in Iran, but those who are in charge of running the multi-billion dollar agri-businesses in California don't have a clue on how to take care of our soil, let alone our crops. Large-scale farmers today look for the easiest ways to produce extreme amounts of one type of vegetables species. We refer to this practice as monocropping. Monocropping is practiced all throughout California. By focusing on just one crop and tailoring the soil just for it alone, we are killing all the natural weeds and plants around these crops, choking the diversity required to keep the ecosystem healthy, and leading over time to degradation and malnourishment of the soil. Eventually, there will be another dust bowl. But there are ways to avoid this torture to the earth. There are sustainable farming methods such as permaculture that can help rebuild the topsoil and fix the ecosystem, but the main motivator for farmers these days is a quick profit. Farmers only care to produce more so they can earn more, and that's just vegetation.

Animals on farms today have to endure a most painful existence, with many of them living in horrid cages filled with their own feces. What once were thriving members of a complex ecosystem have been turned into industrial farm resources. California used to have herds of buffalo moving across its expanse, fertilizing soil, and stomping down vegetation on a yearly cycle. This would help keep soil healthy, especially by means of increasing water retention due to their feces and hoof marks naturally fertilizing and tilling the soil. Part of the cause of the desertification in California is because we no longer have these herd animals roaming free.

As any Californian who's endured the recent droughts can tell you, water shortage is a dire problem in the state. California has been in a drought due to reasons of human activity. When driving down the freeway during a drought, you notice signs that may say "Sacramento created this water crisis" and "save tap water by turning off the faucet", but there's a lot more to it. Zoroastrians in ancient times had ways of harnessing water to irrigate the earth. They built channels and qanāt systems to avoid loss to evaporation and contamination and bring fresh water to settlements. The way we are heading into the future, droughts will continue to be a long-term problem. There are many ways this state could save water and never be in a drought again, but there's no organization or political will in Sacramento to put these plans to work to help our environment. We can't rely on the government to solve our problems. If we are to affect great change, it must be done by individuals working in tandem.

The environment is so precious; yet, we allow it to undergo unspeakable torture day by day. We are continually discovering more ways we are destroying our environment instead of putting plans in motion to save it. If the people of California would take the time to do simple things on our own time, such as growing our own food, we might hear less about us destroying the Earth and more about how we can protect it.

Technology today is resourceful in the ways it can help this planet, but at the same time, it's further damaging the fabric of our society. An understanding of our environment needs to be put into stark focus, or our planet will continue falling apart.

Rather than make the quality of our lives better, modern tech has only made it easier and more convenient to escape into screens rather than see the reality of our situation. The younger generations are growing up on phones, computers, consoles, and television. The days of going outside and exploring nature in one's backyard don't seem to exist anymore. Most people's daily drive through a modern city is filled with artificially created and maintained structures. In California especially, cars have substituted walking, and food is primarily grown and harvested by machines. The understanding of the environment and how to care for and protect it isn't a part of the public school curriculum. The only exposure to the environment the upcoming generation has to look forward to are the outcomes of our hubris, inaction, and wasteful living, such as wildfires, droughts, floods, and air pollution.

The pursuit of happiness (ushta) is a legitimate lifetime goal to pursue. But what really constitutes happiness? The direct fulfillment of the senses, or the feeling that one has truly done, lived, and given their best to the world? Modern society is simply lying to itself - for example, the label "Clean Air Vehicle" depicts a machine that is anything but what it says it is, and "carbon taxes" are just a way for the government to continue to feel justified in supporting heavy pollutants and unsustainable farming practices. But when one gives one's best selflessly, one cannot help but receive the same in return. One can't put a price on the benefits of peace of mind, of a balanced conscience, and of the healthy body that Zoroastrians are encouraged to maintain.

Living according to the principles of Asha, the righteous path, is the only way to maintain the harmony of relationships that keeps the world in balance. Even the Taoists and Buddhists knew and practiced this deep truth. There is a lot to be said for how pursuing the higher self-coincides with doing the right thing, which also inspires and empowers others towards being good people, as well as good stewards of nature.

Of course, the practice of Asha extends far beyond the realm of gardening. We must also share our abundance with others

and pass on our excess. We need to get creative about this, since such a philosophy is pivoted against modern western society, which glorifies those who make untold billions and choose not to share their wealth. Zoroastrian traditions and festivals also celebrate and reflect our connections to nature. Practices such as tree planting at birth and death show an enduring wisdom that have never lost their relevance and are not too impractical for anyone with a bit of property to practice on their own plots of land.

We will sink or swim based on how we live our lives and how we treat each other. Zoroastrianism is an ideology that is not just theorized, but practiced, and its environmental wisdoms have so much to offer in a world that is on the brink of passing over the hill into irreversible human-made environmental damage.



I'm **Zavash Dehesh**. I'm currently going to college studying business management. I grew up enjoying and loving the outdoors. Being outside was the only way for me. I enjoy photography. I love capturing moments and sharing them with people to see their reactions. One thing I have lived with since I was a child was skateboarding. Skateboarding wasn't just a hobby for me but it was a way of learning and growing as a person. It taught me to get back up and keep going till you get what you want. I enjoy being exposed to new things and ideas that anyone shows/ shares with me. I love meeting new people and overall being happy is the one thing I focus the most.

In Closing...

The need for change to positively affect the environment in our daily lives and our governments has been happening but needs to accelerate. We can't afford to take two steps forward and one step back. Let our Zoroastrian religion be one of the many motivators, if you need more convincing, that making decisions that benefit the long term health of our planet and in turn ourselves is the only way forward. Don't think your daily routines do not matter; they do. Our faith is based on the principles that respect maintaining the purity of nature, views science positively, neglecting the environment is giving way to evil, and knowing that everything on our planet is interconnected and needs each other for survival. Do your part...and then then some.

Orang Demehry

Take a Break Right Now and Celebrate Spring with Me

By Vesta Gheibi

March 20th is a significant day on the Gregorian calendar —the vernal equinox is when every point on earth will see an equal amount of day and night. It's also a celebration of the first day of spring in the Northern Hemisphere.

And 300 million people across the world from Central and East Asian communities are celebrating the new year. Noruz literally translates to "new day" and has been celebrated for over three thousand years. It's so significant in fact that the White House sends an annual message of congratulations.

"Noruz transcends national borders, religious divides and other differences to unite communities with bonds of goodwill. Such common purpose can help humanity rise to this moment in history."—Secretary-General Ban Ki-moon

I think that the origins of this ancient holiday will bring you a fresh awareness of the world and inspire you to think in new ways. I also want to share with you what it feels like for me to balance ancient traditions with rapid modernity.

Origins

Though it's seen as a secular holiday enjoyed by different beliefs, Noruz is rooted in the ancient religion of Zoroastrianism. Concepts born out of Zoroastrianism include the duality of good and evil in the world, the connection and responsibility of humans to nature, and the morality of the individual and their power to do good in the world. Zoroaster is possibly the father of ethics and his philosophy gave birth to the first monotheistic religion in the world. (He was also a vegetarian)

What year is it?

It's 2018 for most of us, but on this day you can find people celebrating different years. Some are celebrating 1396, others are nostalgic and will celebrate 2547—each corresponding to the beginning of a new faith or state. You don't have to look into the past, but just across to people who are living in a different year.

What does this mean for a child of the internet?

In Werner Herzog's latest documentary, *Lo and Behold: Reveries of the Connected World*, he thoughtfully explores the past, present and evolving future of the internet. I make this connection because the documentary propels you to reflect on the existential impact of not only the internet, but also robotics, space travel, AI and the Internet of Things on human life.

Lucianne Walkowicz

Astronomer Lucianne Walkowicz gently reminds us in the documentary, "while I would like us to explore Mars more, I think the only thing that we've demonstrated is that we're very good at destroying the habitability of earth, rather than improving the habitability of a completely alien world." In our quest to build the future and constantly innovate, we can still be humbled by the things that we already have, and the human

traits that cling to us.

For me, Noruz offers an opportunity to re-connect with natural cycles of the earth, a reminder of what lives and thrives around us. It's also a reminder of my human traits—my relationships with family, friends, culture, and a reminder that I'm Zoroastrian. Admittedly, this is an identity I find challenging to deal with when the only Zoroastrians I've ever known closely are my parents and brother... and Freddie Mercury.

The search for truth

I use Zoroastrianism as a source for me to assess my values, and share it in my work and interests. The search for truth isn't exclusive to religion, it's shared by everyone. We see it manifest in many ways but my favorite is to draw the connection to blockchain. I see blockchain as the computer science solution to truth. The real implications of it will probably be different, but its inception speaks to our inner intention of finding and implementing truth.

Moving forward

I'm uncertain how I'll pass down my heritage to the next generation. What will Noruz mean to my kids—when it's such a confusing time for me?

I'm also uncertain what the world will look like then. What kinds of interactions will we be having with technology and each other?

I find solace in learning about how people use ethics and heritage to understand the modern world. Professor Luciano Floridi specializes in digital ethics and explores our intellectual responsibility with technology. Nana Oforiatta-Ayim is an art historian who has embarked on creating a comprehensive encyclopedia for Africa.

As I write this I can smell the scent of burning frankincense and myrrh to ward off negative energy before we set up the table for the Noruz feast. It's a strong scent that takes me into the depths of tradition. I look down at my phone to check the price of some digital currency and have to pause and appreciate how strange it is to live in this parallel of old and striking new...



Raised in Singapore, Qatar and Melbourne, Vesta's life has been a mixing pot of unexpected things. Pursuing urban planning at university, then working in branding, education, and entrepreneurship. Currently Vesta is running the digital team at WISE (World Innovation Summit for Education) in Qatar. Each culture has deepened her understanding of what it means to be Zoroastrian in an ever changing and fast-paced world. Her interests are mainly in technology, ethics, education, and music.

Women in the Avesta Era

Dr. Daryoush Jahanian



In recent years, some authors, basing their conclusions on the genders of the Amesha Spentas, the divine attributes of God in the Zarathushtrian religion, have concluded that for Zarathushtra, men and women are equal, though at least one individual writer has expressed an opposite view. It is important to remember that Avestan words, like some contemporary languages, have masculine, feminine and neuter genders.

These authors suggest that the first three, Vohu Manah (good thinking), Asha (truth), and Khshathra (spiritual power) are masculine and the last three, Aramaity (serenity), Haurvatat (wholeness), and Ameretat (immortality) are of feminine gender. Therefore even in the deity system, the

equality of man and woman is intended. Another author contends that Vohu Manah, who governs the mind, is superior to Aramaity and consequently this is the proof of the superiority of the male gender over the female.

The aforementioned theories are not based on concrete facts, because the first three attributes are not linguistically masculine, but neuter. Meanwhile the list of the attributes is not based on a hierarchy. For example, no one can say whether Asha (truth) is superior to Ameretat (immortality) or vice versa. Some writers contend that since in Zarathushtra's chosen name of God, Ahura Mazda, Ahura is linguistically masculine and Mazda feminine, the prophet even in choosing the name of God has carefully observed the equality of the sexes. According to the rule of the Avestan language, when two words with opposite genders are grouped together, a masculine pronoun should be followed. However, Zarathushtra many times addresses Ahura Mazda with a neuter pronoun. The Prophet's intention is to avoid personifying God. If one concludes that the equality of the sexes is intended here, it will be a personal view, and not necessarily universally accepted.

For better insight into women's rights during the Avestan era, one should begin with the hymns of Zarathushtra, the Gathas, and avoid searching for personal views. Zarathushtra in the Gathas addresses men and women equally and even in some verses, calls to women first. His teachings are for all humans all over the world; they transcend gender, nationality, and race. We quote Yasna 46/10: "Wise Lord, whoever in this world, man or woman performs the best in life, good deeds according to righteousness and service to humanity based on good mind, I shall accompany them in glorifying you and shall with all of them cross the bridge of judgment." In this verse Zarathushtra declares that man and woman, wherever they are, through the deeds of good mind and service to people, will equally receive spiritual rewards. In the next verse 46/11, the prophet proclaims that the political leaders (Kavis) and the religious leaders (Karapans) have joined their forces and exploit people by coercion, but they shall receive retribution when approaching the sorting bridge.

Considering the above two verses one can conclude that for the prophet, the criteria necessary to receive salvation

are the deeds of good mind - therefore, power, gender, position, and rank have no part in the judgment. Power and wealth per se do not guarantee the rewards unless they are generated through honesty and righteousness, and are exercised in the service of humanity. The same concept is illustrated in Yasna 51/22: "The men and women who act according to righteousness, the Wise Lord recognizes them best for their good deeds and worship. Those who have been in the past and who are such at present, I shall with reverence recall them by name." Some scholars consider this verse as the predecessor of Yenghe Hatam, one of the sacred Zarathushtrian prayers cited in Yasna 27.

"The men and women whose deeds are in accordance with righteousness, the Wise Lord recognizes best for their reverence, and in our part we venerate them." In other words, men and women through righteousness can devote their best reverence to Ahura Mazda and equally be glorified:

Human rights and the equality of man and woman are vividly described in other Avestan texts outside of the Gathas as well. The Haptanghaiti, composed in the Gathic language soon after the prophet's time, confirms the true status of women in the early Avestan era. In Yasna 39/2: The souls of the men and women wherever they are born who strive for the glory of righteousness are praised. In the next stanza, first virtuous women and then men who live in accordance with good mind and serenity are praised. In many sections of the earlier Avestan writings virtuous men and women are named and glorified together. In the Farvardin Yasht more than three hundred men and women are mentioned and their Fravahars all over the world are commended. Just as human beings, whether men or women are glorified for their virtues and chastity, their retribution for deviation from the path of truth is also equal and they are reprimanded for sins and deceit (Yasna 61/2,3).

In Yasna 13/1 the Wise Lord is named the spiritual leader of the master of the house, village, city, and country and the spiritual leader of women. In Yasna 41/2, part of the Haptanghaiti, complete equality of man and woman's rights and their status in both material and spiritual worlds is expected. Here, the issue of a good leader, regardless of gender, is addressed: "May a good ruler, man or woman,

reign in both the material and spiritual existences." Thus, not only are women equal before God, but in regard to leadership they too enjoy the same quality and standing as men. Likewise, they have an equal responsibility in the dissemination of knowledge and science: "Whatever a man or a woman knows that is good and right, not only should they practice, but inform others to perform accordingly". The same equality exists in regard to the propagation of religion. In Yasna 68/12, an expression of good wish and support is made for all the women and men, girls and boys who strive for good deeds and propagating the path of truth.

Marriage in the Avestan Era

As noted, in the Avestan era men and women were socially equal and they were praised because of their virtues and decency, while in other countries as Sumeria, Babylonia, China, India, Egypt and the two advanced



countries of Rome and Greece women were deprived of their basic rights. In ancient Greece, regarded as the cradle of European civilization, a girl in her father's home, and thereafter in her husband's residence, had no right or authority. At the time of marriage the father did not ask her view about her choice of a husband and she was obliged to follow the will of her father and then of her husband.

With the advent of Zarathushtra and his religious innovations, there was outstanding progress in the social status of women. The text of the Gathas illustrates that girls not only enjoyed a respectful position but they had the full freedom to choose their spouse. This social liberty is in compliance with the principles of freedom of choice and human dignity that is emphasized in the entire text of the Gathas. In Yasna 53/3 Zarathushtra, as a father, expresses a wish for his youngest daughter, Pourochista: "May God grant you him who is steadfast in good mind and united with righteousness and with the Wise One. Therefore consult with your wisdom and decide in full tranquility." As noted, the desired husband is one who adheres to good thinking and righteousness and there is no mention of power or wealth. It is interesting that in the first verse of this Yasna, Zarathushtra declares that all his wishes have been fulfilled and God has granted him a happy and holy life through all Eternity. Finally Pourochista informs her father of the decision and she hopes that the glories of the life of good mind come to her as a righteous woman dwelling among the righteous people. It is not surprising that Zarathushtra considers the holy and virtuous life of good mind a reward for himself and his family and avoids any materialistic desire. This is in compliance with the spirit of the Gathas, and in different verses he entreats God to grant good thinking and spiritual power to Gushtasp and other disciples so that they can spread his message (Yasna 28/7).

In Yasna 53/5, 6, and 7, in a public wedding ceremony Zarathushtra addresses the newlywed couples. These noble words, although they are nearly four thousand years old, remain new and glorious and are practical at any time in any part of the world. It should be noted that the new brides are addressed first: "These words I speak to you, maidens and new husbands, and hope you bear them in your minds carefully. Always live according to the principles of good mind and love, try to surpass each other in truth and righteousness so that you reap the reward of joy and happiness. Strive to avoid the lures of this material life and stop the progress of hypocrisy and

deceit. Do bear in mind the joy that is acquired through the wrong deeds, will ultimately result in woefulness. Disassociate yourselves from temptation and untruth at once, as wrong ends in grief and bad reputation. It destroys happiness for the wrongful, it defiles truth and with that, one destroys spiritual life. But the reward of this fellowship shall be yours as long as you, the young couples remain in weal and woe with love and fidelity in matrimony. If you abandon the fellowship, then the last word uttered is woe. The wrongful and wicked ones eventually fail and will be derided by the people." We can conclude that Zarathushtra is recommending the practice of monogamy.

At last Zarathushtra's message of peace is heard through the dark ages of history: Once again women are mentioned first: "May women and men by the leadership of just and righteous leaders enjoy peace and well-being. May hypocrisy and deceit be vanished and may the Great Wise Lord come to us. The greatest are those who restrain violence and bloodshed. May killing and wounding be prevented, tribulation and hardship be ended and the righteous meek and poor enjoy a better life in the chosen dominion." This indicates establishment of the universal



fellowship that at the end (Yasna 54/1) is rewarded to the virtuous men and women. "May the desired fellowship come for the support of men and women and for the support of good mind, so that the conscience of every person earns the reward of righteousness, a wish regarded by the Wise God."

As noted, if one is looking for a period of history to demonstrate the perfect equality of woman and man and exaltation of human dignity, he should refer to the early Avestan era. The fundamental reason for women's status at this era is the teachings of Zarathushtra. Application of the attributes as Nmano Pathni or "Lady of the House" and Graha Pathni "Leader of the House" to women in the Avesta signifies the degree of respect and their true standing in the Avestan society. Women before and after their wedding enjoyed complete freedom. Zarathushtra in Yasna 30 addresses men and women and cautions them against coercive acceptance and blindly following a doctrine. Regarding married life, he advises his hearers not to deviate from the path of truth and to avoid inappropriate pleasures, and to choose a spouse who stays with good mind and righteousness. However, he leaves all

free to decide by recommending that they consult with their own wisdom and make their decisions in serenity.

In this glorious era not only were women equally responsible for the progress of society, the propagation of religion, and the dissemination of knowledge and science, but they also enjoyed the same standing in the area of social and religious leadership. Thus their reward in this world, like that of men, is universal fellowship, peace and serenity, and in the spiritual world, eternal bliss that awaits once they have passed over the bridge of judgment.

After the Avestan era, due to various factors such as contact with different nations, intermingling of the Zarathushtrian religion with alien concepts, and deviation from the original teachings, women's prominent standing in the society diminished. The book of the Vendidad and other writings of the Achaemenian and Sassanian eras show this decline. Even in this period, despite all the deviations, many examples of women's rights and liberty remain, due to the influence of the original teachings. These examples show, to a certain degree, the continuity of the Avestan era in the Zarathushtrian religion of later times.



Dr. Jahanian was born and raised in Tehran, Iran, He is the founder of the Faravahar Zoroastrian Youth Organization in Tehran, served as its first president; and a founder of Zoroastrian Association of Kansas (ZAKA) and served as its first president. Since 1982 he has served on the board of trustees of Rustam Guiv

Foundation, then as its vice-president and currently its president. He has been a guest speaker in Zoroastrian congresses and conferences, authored articles and a book (The Zoroastrian Doctrine and Biblical connections) and recently a book, Gathas, The Message of Zarathushtra, Comments and Free translation. He specializes in Obstetrics & Gynecology He is married to Mahin Amighi Jahanian, they have two sons, Arash and Keyarash.

Zoroastrian Return to Roots



About

Return to Roots is a youth-initiated program designed to strengthen community identity amongst Zoroastrian youth all around the world. The idea of a Zoroastrian Return to Roots Program was born out of the increasing disconnect between those Zoroastrians in the diaspora with their ancestral communities in Iran and India. It is a unique means of fostering community links and identity by taking small groups of youth on trips to explore their religious, social and cultural heritage.

Vision

- Reconnect Zoroastrians in the diaspora with their origins in India and Iran
- Foster a sense of community and identity
- Focus on youth and the future generation
- Create a network of RTR global alumni
- Build a Return to Roots foundation and corpus of funding for future generations of Zoroastrians

The 4th trip of the Zoroastrian Return To Roots program started on December 22, 2017 in Mumbai. Over 24 Zoroastrian youth from USA, Canada, United Kingdom, New Zealand, Pakistan and United Arab Emirates participated in a 13 day trip through Mumbai and Gujarat.

At the opening orientation ceremony at the Cusrow Baug Pavilion, Aban Marker-Kabraji, Co-Chair; and Arzan Sam Wadia, Program Director; welcomed the participants and gave them a brief outlay of what the RTR program is about, a brief historical overview of the program since inception and its hopes for the future. Aban outlined the support and belief of worldwide Zoroastrian institutions, organizations and individuals who see value in the program and what it offers and come out in support of it in various ways including funding, logistics and support. The RTR Fellows introduced themselves and spoke about what they hope to take away from the intensive 13 day program. Over 4 years and 4 trips the RTR Fellows now numbering 65, have become empowered ambassadors as they return to their communities world over.

Always envisioned as a youth-driven initiative, this year's program is primarily run by RTR Alumni Zubin Gheesta and Sheherazad Pavri of Mumbai, Ruxshin Dinshaw and Natasha Karanjia of Karachi, and Kayras Irani of Vancouver.

The trip includes visits to fire temples, Doongerwadis, and Parsi establishments, in and around Delhi, Mumbai, Udvada, Navsari, and Surat; complemented by home-made Parsi

cuisine. This journey is a means to promote the rich Parsi and Irani culture amongst the youth. The 'fellows' also attended



the Iranshah Udvada Utsav, a biennial festival celebrating Zoroastrian culture.

Here are some of the places which we visited among this trip:

Religion and cultural:



Historic Sanjan Stambh



Surat Atashbehram



Iranshah Udvada Utsav (Meeting with Dr. Shernaz Cama Co-Chairperson Return to Roots)



Historical and tourism places:

A Sunset Boat cruise on the Mumbai Harbor from Gateway

Parsi owned businesses:



A Zoroastrian lady owns this brick laying business making over 300,000 bricks yearly



On the banks of the Varoli river in Nargol with Ruxanna Nanji



At the historic Meherjirana Library in Navsari



At the beautiful home of Jimmy and Delna Mistry



Restaurants:

Delicious Parsi food at the historic Jamshed Baug in Navsari



At Britannia !!! Home of the best Berry pulao bar none !! Boman uncle and his son and grandkids gave us a heartfelt welcome



At Jimmy Boy. Cozy venue serving Persian staple dishes with a glass counter displaying traditional Parsi sweets

Our Personal Achievement from This Trip:

- RTR awarded us a sense of belonging and recognition in our universal Zoroastrian society.
 - The trip reminded us that we are proud to be a Zoroastrian, in addition, we made a lot of fantastic life time friends from all around the world.
 - The most significant point we learnt from this trip is that we are all a Zoroastrian and there is no different between Irani (Persian) Zoroastrian or Parsi Zoroastrian.
 - We hope that more of the community can realize to be generous to both Zoroastrians and non-Zoroastrians, and not just rely on the well-off Zoroastrian professionals like the TATA's and Cyrus Poonawalla to be the only ones to donate to the penurious.
 - We have come back with a newly founded love for our community and who we are. we have shared our experience with all our friends, Zoroastrians and Non-Zoroastrians and we feel so proud to be a Zoroastrian.
 - The increased understanding of the Parsi experience will hopefully help us and the other Return to Roots Fellows serve as unifying bridges for our own Zoroastrian communities as well as the larger community and we discovered to value our community because we have such a vibrant culture which should be preserved.
 - This trip was wonderful, there are some moments which we would never ever forget, like the orphanage where we met the children and we spent quality time with them by dancing singing with them.
 - We found out that the RTR program is a very realistic approach to religion and it inspires interchange and creates an avenue for your opinion to matter and to be valued as a young Zoroastrian.
- At the end please help spread the word and send interested candidates our way.
Please help us with ideas, suggestions and recommendations and help tap the RTR alumni's passion and interest in to your local associations.

contact@zororoots.org

Anahita Hormozdyari

Khodarahm Partovi



Khodarahm Partovi, was born in Tehran, Iran and moved to California, USA in 2013. He completed his master's in Geotechnical Engineering from California State Polytechnic University, Pomona. He is one of the 7th World Zoroastrian Youth Congress executive members and he has been in California Zoroastrian Center Art Group committee for 2 years.



Anahita Hormozdyari was born in Tehran, Iran. She is Chemistry student at OCC, CA. She has been teaching "Farsi" to Kindergarten class at California Zoroastrian Center since 2016 and one of the 7th World Zoroastrian Youth Congress executive members.

Ask Nahid

Dear Nahid,

My wife is Zoroastrian and I am Agnostic. We are about to have a child. Through many discussions and disagreements, we have decided to teach them in both of our beliefs. Knowing that we will disagree again as our kids grow up, how would you recommend we mediate our differences in beliefs?

~Steve

Dear Steve,

Combining cultures and traditions in any blended family can be amazing as well as challenging. Raising kids these days is a glorious challenge in itself. Adding the mix of multiple viewpoints and diverse parenting can increase the richness and complexity of your home. Your child will be very lucky to grow up in a spiritually rich environment.

It is great that you and your wife discussed these differences and values early on before the birth of your child. It is important that you keep having these discussions and disagreements when they happen. Constant conversation allows you both to revisit your views and build a stronger unified path towards building your family.

I truly believe that both you and your wife should be sincere to your own beliefs – especially in front of your child. Pretending to believe in something that you do not will only cause absolute conflict in your marriage. It is perfectly fine that you disagree or even conflict in some beliefs, as long as you are respectful, understanding and honest in these moments. If you manage that, your child is going to be more understanding because they will have learned how to communicate and work through conflict and disagreements.

If your kids know that their parents disagree on core beliefs but are still able to love one another and be respectful

about their disagreements – they are going to learn the most valuable lesson in life; which is how to communicate their differences and to forge their own opinions while respecting their own core beliefs. They will appreciate differences and be able to clearly communicate their ideas and beliefs to others as well.

Your children will make decisions confidently as they would have been allowed to choose their own path ultimately, through your guidance and open dialogue. You really cannot be truer to the Zoroastrian faith than that. Even being agnostic, you must value empirical knowledge and guide your children to make their best decisions based on conversations, dialogue, discussion and yes, even disagreement.

The differences between you and your wife, on religion or other important topics, can be a very positive example of how differences within relationships and homes do not necessarily lead to trouble, but instead can lead to respect and mutual admiration to educate your children with. Use this as an opportunity to show your kids that disagreeing with someone can be enriching and based in love.



Nahid Dashtaki completed her master's in both Dispute Resolution and Public Policy from Pepperdine University. She has received two Bachelor of Science degrees in International Relations and Comparative Literature from the University of California, Irvine along with extensive international work experience in the Middle East and Asia

Looking up to Japan

I recently had to google proper Japanese bowing etiquette, only to make sure that I was showing enough respect to the Japanese families I've met this year. That led to a sparked interest in Japan, and I can now safely say that never before have I been so awe-struck by the culture of a country I've never even been to.

A friend and co-worker of mine was born and raised in Japan, we call her Mrs. Ushino. Amongst being so kind and hardworking, she is also a window of insight into a culture that i've learned to love. It feels weird to advocate for a country that I haven't experienced for myself, which goes to show how much of an impact Japanese people have made on me. What I'd like to talk about most though, is the environmental cleanliness and commitment to respect that reigns so prominent in Japanese culture.

Earth Day was coming up, and my students went on a litter walk around the school to pick up any trash they saw. I was pretty proud that they were helping keep their school clean, until I learned from Mrs. Ushino that in Japan, there are no custodians at schools because kids are in charge of keeping their school clean every day. I later read that older students often teach younger children how to keep their surroundings clean, and so begins a mindset of environmental awareness and sense of accountability at such a young age.

We talk about renewing this existence all the time, but it never occurred to me that that doesn't have to be some grandiose and profound act, it can be done on a daily basis simply by cleaning up after ourselves- in every sense possible.

In Japan, it's understood that the group comes before the individual, and this type of community focus makes it so people really care about the impact their actions, their waste, and their habits have on one another. That's why there, adults have regular and somewhat obligatory neighborhood cleanups, and why they have one of the greenest and most used public transportations in the world. It's also why if you search "japanese garbage disposal system," you'll find that they have such a thoughtfully intricate and well-organized waste and recycle system that it took me about 20 minutes to figure it out. And to be honest, I still don't know if I fully understand it- but that's my own shortcoming.

I'm sure that there are other countries that practice that same consciousness, and I look forward to learning about those places because I think we need more of that in the world. Our lives are a culmination of where we are and who we're with, so to not be mindful of how we affect our surroundings, and to not try to respect one another as much as possible, seems almost counterintuitive. I know that's easier said than done, but when has anything this important ever been easy?

If you've read Dr. Seuss' The Lorax, or watched the movie, you may recall that in that story, individual goals ended up destroying a beautiful place. The Onceler wanted to profit from these truffula trees and so he cut them down, but that caused a cascade of events-leading to a life-less, sad, and lonely place.

Just today, I received a letter from a parent whose son loves Dr. Seuss, and this is what she wrote to me.

"Back in our home country, we watched The Lorax, but we couldn't believe that one day this weird universe would be a part of our life!"

Hearing about what's going on in our world, she's right in so many ways. As painful as it may be to swallow, we have to make ourselves aware of the problems tainting our Earth- but also look towards leaders like Japan whose culture's mere attitude caters itself towards responsible and creative solutions. Respecting one another never goes unnoticed, and whether it be through a gracious bow, or an active decision to pollute less so that current and future generations experience a clean world, the choices we make always affect more than just ourselves.



Roya Behmardian

was born and raised in Southern California. She has attended CZC's Persian and religious classes all through her childhood. She graduated from UCI with a Masters of Art in teaching.

World Zoroastrian Youth Leaders Forum

A Story about Connection

Layla Mazdyasni

As human beings, we naturally crave authentic and meaningful connection. The beautiful Sanaya Master brought to life her vision of connecting 20 young Zoroastrians from all over the globe, in an effort to then connect the entire Zoroastrian population. A huge task to say the least. From New Zealand, North America, India, England, and Australia, we individually packed our bags and ventured to the first ever World Zoroastrian Youth Leaders Forum. For 10 days in the middle of March, the beautiful ASHA Centre in England's Forest of Dean became our home. We sought to take our individual perspectives and unite in collaboration.

Our 10 days were guided by a simple vision: to create a harmonious Zoroastrian community, flourishing through righteousness. We began by discussing a variety of issues we see and experience in our Zoroastrian community, including lack of religious knowledge and engagement within the community. Our discussions were led by Adrian Locher and Mark Gifford, co-directors of the ASHA Centre. Adrian is an actor and director, and has facilitated numerous programs for young-people from all around the world. Mark is an accomplished religious scholar, and has a strong knowledge of Zoroastrianism. Their innovative and creative approach encouraged us to think with our heads, feel with our hearts, and work with our hands. From these discussions, we chose a handful of issues and created action plans. Our mission is to foster and connect tomorrow's youth leaders, today, allowing diverse voices to turn into action. In the coming weeks, we will create a document elaborating each action plan created and including ways for Zoroastrians worldwide to get involved.

Our intense, productive discussion sections were complemented by fun activities that allowed us to connect on different levels. We harnessed our competitive natures in a Master Chef, Zoroastrian edition. We went to Freddie Mercury tribute night at what seemed like

the only happening bar in all of Gloucestershire. We had a talent night where we fully embodied the Spice Girls and karaokied our hearts out. Growing up in an Iranian-Zoroastrian household, I had limited exposure to Parsi culture. During Master Chef, I learned how to make Parsi chicken cutlets, and shared some knowledge of traditional Iranian-Zoroastrian dishes. During our talent night, I wore a Sari for the first time in my life. Exploring the difference between my relationship with our religion, and a Parsi interpretation of our same religion caused me to dive a little deeper. Being the only Iranian-Zoroastrian at the Forum, I felt more confident in my beliefs than ever. At times in the Forum, I felt like an outsider in my own religion. Being born and raised in an Iranian family in California, my interpretation of Zoroastrianism is likely different from someone in Iran, or someone in India. For me, this highlighted how different, but equally rich our cultures are.

Throughout the 10 days, I felt empowered and hopeful. Moreover, I felt connection - both authentic and meaningful. I felt connected to the dynamic, incredible





individuals at the Forum, connected to the environment and our earth, and connected to our religion and community. Connection begins at a small level, and gradually grows. It starts with a good thought, develops to good words, and builds to good deeds. When we were examining our issues, all laid out on the floor, we realized that there was a commonality. Many of us experience the

The Zoroastrian diaspora exists globally, on many varying levels. It is represented by Zoroastrians on every continent, who practice their versions of what they know to be Zoroastrianism. This exchange of ideas, of culture, and of growth can unite us as a connected collective, thriving despite small numbers.



Special thanks to Mark, Adrian, Zerbano Gifford, Sanaya Master, and all my fellow participants. Thank you for discussing heavy topics with intelligence and grace. Thank you for the early morning and late night conversations that made me laugh, cry, question, and challenge. Thank you for being so willing to give so much of yourself to a religion that needs a little bit of extra love right now. Zoroastrians have been strong for 3000+ years; let's reconnect and revive our community to ensure we stay strong for our future generations.



same issues within our Zoroastrian faith, and so deeply seek positive connection. How special is it that we have something so good within us that allows us to foster positive connection, if harnessed positively through vohu-manah (the good mind). How special is it that we, as a collective, have connection via Zoroastrianism. I encourage you to reach out to your local associations (or create one), to become involved (however big or small), and to bring along a fellow Z (even if there is only one other Z you know!).

Layla Mazdyasni was born and raised in San Diego, California. She recently graduated from UC Berkeley with a Bachelor of Arts in Cognitive Science. She is interested in the complexity of the mind, and how we as humans interact with ourselves, each other and our environments. Layla teaches yoga in her spare time, and is excited to embark on her newest journey in the professional world, learning about consumerism and business management in fashion retail.

Word Search Puzzle

S	N	A	I	R	T	S	A	O
O	F	Q	W	B	F	H	L	T
R	I	E	T	A	S	H	A	I
G	O	U	R	U	N	D	E	R
F	E	W	I	D	Q	U	I	G
I	P	A	T	G	O	J	D	A
R	H	T	M	O	K	W	E	N
E	D	E	O	A	H	E	S	X
N	I	R	R	T	E	E	R	I
S	K	A	C	E	D	Y	U	Q
I	S	L	H	D	O	N	A	T
H	O	N	K	J	G	X	M	S

- 1- Joyous occasions at which rich and poor meet and share food communally.
- 2- _____ believe in one God, called Ahura Mazda.
- 3- First month of summer in Iranian calendar.
- 4- it is a mid summer Iranian festival, celebrated annually.
- 5- Legendary archer of Shahnameh.
- 6- One of four elements of life.
- 7- Atar.
- 8- What is "Dahesh" in English?
- 9- Truth or Righteousness.
- 10- Persian poet and the author of Shahnameh.

Answers: 1-Gaharbadai, 2-Zoroastrians, 3-Tir, 4-Tirgan, 5-Ashra, 6-Water, 7-Fire, 8-Donation, 9-Asha, 10-Ferdowsi

Attention!!!

The 7th World Zoroastrian Youth Congress will be held on July 2019 in California. The organizers of this momentous event are looking for interested Zoroastrian youth to participate in the planning of this conference. There are available positions in different subcommittees, the core committee, and the executive committee. Attached below you may find the position descriptions and responsibilities. If you are interested in becoming a part of the organizing team for this great conference, please fill out the following interest form to indicate what role you would like to partake. 7th World Zoroastrian Youth Congress Interest Form Upon filling out the form, a member of the Executive Committee will contact you to discuss the roles and responsibilities further. Responsibility Sheet We look forward to hearing back from all of you, the Zoroastrian youth and the future leaders of our community! Hama Zor bim Hama Aasho bim,



Executive Committee, 7th World Zoroastrian Youth Congress

The Credit Repair Specialist



برای ترميم ، تصحيح و بهبود كرديت و كاهش بدهی با ما تماس بگیرید.

- Late payment
- Collection
- Charge off
- Bankruptcy
- Foreclosure
- Chexsystem
- Judgement
- Tax lien
- Repossession
- Inquiries



مشاوره رایگان
www.enrichfin.com



800-790-4240



Realtor

CalBRE #

01965957 / 01965956

بیش از 20 سال تجربه در خرید و فروش
و این بار
مشاوره، خرید و فروش
مستغلات مسکونی و تجاری
برای شما



katehkambiz@gmail.com

www.katehkambiz.com



کامبیز مغانی 949-558-6777
کاته فریدونی 949-365-6267
22343 Avenida Empresa, RSM, CA 92688